

مطالعه موانع پارلمانی توسعه اقتصاد ملی در ایران (۱۳۸۴-۱۳۶۸)

فائز دین پرست *

علی ساعی **

چکیده

این مقاله به بررسی موانع توسعه اقتصاد ملی در ایران می‌پردازد. پس از بیان مسئله و اثبات جنبه پرابلماتیک آن، راه‌حل نظری مسئله از طریق ساخت دستگاه نظری که محصول کاربست مفاهیم نظریه *لفت* و *ویچ*، نظریه دولت رانتیر و دیدگاه کاتوزیان در نظریه «انتخاب عمومی ساختارمند» است، ارائه می‌شود. سپس داده‌های لازم برای معرف‌های هر یک از مفاهیم تحقیق با روش‌های تحلیل محتوا

* عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی (F_dinparasti@yahoo.com)

** عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس (saeia@modar.ac.ir)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۸/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۱۴

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال نهم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۳، صص ۷۲-۲۳

و تاریخی، گردآوری و سپس با روش تحلیل روایتی مورد داوری قرار می‌گیرد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که کنش راهبردی نمایندگان مجلس به‌عنوان بازیگران منفعت‌جو در بستر راهبردی دولت رانتیر و نظام انتخاباتی اکثریتی دودوری، معطوف به تأمین مطالبات فوری انتخاب‌کنندگان است که سیاست‌های برآمده از این نوع کنش نیز ناظر به تأمین مطالباتی از همان جنس است که نقش منفی در توسعه اقتصاد ملی ایران داشته است.

واژگان کلیدی: توسعه اقتصاد ملی، دولت رانتیر، کنش راهبردی، بستر ساختارمند، سیاست

مقدمه

موضوع این پژوهش توسعه اقتصاد ملی در ایران است. توسعه را می‌توان فرایند سازمان‌دهی و بهره‌برداری منابع مادی و غیرمادی جامعه برای رسیدن به زندگی مطلوب‌تر برای افراد جامعه دانست. البته زندگی مطلوب‌تر مفهومی مشکک است که از منظرهای مختلف و در دوره‌های زمانی گوناگون می‌تواند مصادیق متفاوتی به خود بگیرد. در طول چهار سده گذشته، شرط زندگی مطلوب‌تر، از رشد کمی اقتصادی صرف فراتر رفته و ابعادی مانند بهداشت، آموزش، کاهش نابرابری اجتماعی و مشارکت سیاسی را نیز دربر گرفته است (لفت‌ویچ، ۱۳۸۵: ۳۷ به نقل از Jones, 2001: 337; Mclean, 2009; Gallie, 1956). توسعه مفهومی است یکپارچه و متکامل که بیش از آنکه نشان‌گر یک وضعیت و نمونه عالی باشد، به فرایند گذار جوامع (در هر سطحی از توسعه) اشاره دارد. با این نگاه، هرچند توسعه مفهومی یکپارچه و چندبعدی است، اما در مقام مطالعه ناگزیر از تمرکز بر وجوه محدودتری از آن هستیم.

تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد که بحث از عقب‌ماندگی ایران و تلاش برای برون‌رفت از آن، پیشینه‌ای دویست‌ساله دارد. در مقطع نخست تکاپوی توسعه، ایرانیان از اوایل قرن نوزدهم و در پی شکست از روسیه، اندک‌اندک پی به برخی نارسایی‌های بنیادی در جامعه خود بردند و با اقداماتی نظیر اصلاح ارتش، اعزام دانشجویان به اروپا و تأسیس دارالفنون در پی فائق آمدن بر وضعیت نامطلوب خود برآمدند (بهنام، ۱۳۷۵؛ رینگر، ۱۳۸۵). در مقطع دوم، در پی تحکیم قدرت سیاسی در سال ۱۳۰۴ (۱۹۲۵)، دولت شبه‌مدرنیستی رضاشاه برنامه‌نوسازی اقتصادی-اجتماعی را آغاز کرد. صنایع نوین غذایی، نساجی، احداث راه‌آهن،

تأسیس بانک ملی، تأسیس دانشگاه، ایجاد نظام حقوق عرفی مدون، یکجانشین کردن عشایر، الزام به تغییر لباس و کشف حجاب از اقدامات او در مسیر نوسازی بود (کدی، ۱۳۸۶: ۱۶۹-۱۶۸ و آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۱۸۵-۱۷۴؛ کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۸۰-۱۳۹؛ فوران، ۱۳۸۶: ۳۶۰-۳۵۰). در مقطع سوم، از سال ۱۳۲۵، به منظور پیشبرد امر توسعه در ایران، «برنامه ریزی توسعه» به صورت اصولی در دستورکار دولت ایران قرار گرفت و در خلال پنجاه و دو سال، دولت ایران اقدام به تدوین و اجرای پنج برنامه عمرانی کرد (فرمانفرمائی، ۱۳۸۱؛ Baldwin, 1967). در مقطع چهارم، هرچند وقوع انقلاب اسلامی و بی‌اعتمادی نظام سیاسی جدید به سازمان برنامه و بودجه و درگیری در جنگ تحمیلی، موجب به تعویق افتادن برنامه توسعه شد، اما با پایان جنگ تحمیلی و شروع دهه دوم انقلاب، ضرورت بازسازی اقتصاد درهم‌شکسته کشور و ایجاد زمینه‌های لازم برای بهبود وضعیت زندگی مردم نمایان‌تر شد. در این شرایط، ایران در قالب برخورد مرحله‌ای با نیازهای جامعه و ضرورت توسعه کشور، همچنان ابزار برنامه‌ریزی میان‌مدت را در قالب برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، از سال ۱۳۶۸ انتخاب و آغاز کرد. در هر چهار مقطع، یکی از دغدغه‌های اصلی حکومت‌های ایران در دو سده گذشته، اتخاذ راهبرد توسعه برای فائق آمدن بر مسئله عقب‌ماندگی بوده است.

با توجه به اینکه دو مقطع اخیر پویای توسعه در ایران بر بعد اقتصادی توسعه تمرکز دارد، به اثبات پرابلماتیک بودن توسعه اقتصاد ملی ایران به‌عنوان یکی از ابعاد توسعه می‌پردازیم. البته ۶۰ سال برنامه‌ریزی توسعه در ایران، دستاوردهای مهمی داشته است. در سال ۱۳۳۸ -در میانه برنامه عمرانی دوم- تولید ناخالص ملی ایران به قیمت‌های معادل سال ۱۳۷۶، ۴۳۹۱۱ میلیارد ریال بود؛ این رقم در سال ۱۳۵۶ (پایان برنامه عمرانی پنجم) به ۲۳۶۶۴۵ میلیارد ریال و در سال ۱۳۸۴ (آغاز برنامه توسعه چهارم) به ۴۳۸۹۰۰ میلیارد ریال رسید (<http://www.cbi.ir/simplelist/4454.aspx>). برنامه‌ریزی برای توسعه، هرچند موجب ارتقای برخی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه در مقایسه با گذشته کشور شده است، اما نتوانسته است تغییر قابل‌توجهی در سطح توسعه ایران در مقیاس جهانی ایجاد کند. در شرایطی که در سال ۱۳۵۹ درآمد سرانه ایران بر مبنای برابری قدرت

خرید، ۲۹۷۳ دلار و معادل ۳۱ درصد درآمد سرانه اقتصادهای پیش‌رو^(۱) بود، در سال ۲۰۰۵ درآمد سرانه ایران با ۴ درصد کاهش، معادل ۲۷ درصد درآمد سرانه اقتصادهای پیش‌رو بود. این درحالی است که در سال ۱۳۵۹ درآمد سرانه ترکیه، کره جنوبی و مالزی به ترتیب ۲۱۷،۶۷۲ و ۶۲۳ دلار کمتر از درآمد سرانه ایران بود، در سال ۱۳۶۸ (سال آغاز برنامه اول توسعه) درآمد ایران نسبت به درآمد سرانه این سه کشور به ترتیب ۱۳۰۷،۳۲۵۹ و ۷۵۹ دلار کمتر بود. اجرای برنامه‌های توسعه اول، دوم و سوم نیز منجر به بهبود نتایج این مقایسه نشد؛ به طوری که در سال آغاز برنامه چهارم (۱۳۸۴) تفاوت درآمد سرانه ایران بر مبنای قدرت خرید نسبت به سه کشور یادشده، ۱۷۳۸،۱۳۵۱۵ و ۲۱۱۲ دلار بود.^(۲)

بر اساس شواهد یادشده می‌توان گفت تلاش ایرانیان برای توسعه اقتصاد ملی، با موفقیت کامل همراه نبوده است. به‌رغم برخی پیشرفت‌ها، در مطالعه مقایسه‌ای با سطح توسعه دیگر کشورها و سطح عمومی کشورهای در حال توسعه، جایگاه ایران کم‌وبیش ثابت مانده است. به این ترتیب، میان واقعیت تصویر توسعه در ایران، و تصور مبتنی بر تئوری توسعه، ناسازگاری وجود دارد؛ پس مسئله این پژوهش، موانع توسعه اقتصاد ملی در جمهوری اسلامی ایران است. بر اساس استدلال مطرح‌شده، پرسش اصلی را می‌توان این‌گونه مطرح کرد: موانع توسعه اقتصاد ملی در جمهوری اسلامی ایران از منظر نظام انتخاباتی و عملکرد پارلمان چگونه قابل تبیین است؟

بررسی ادبیات موضوع نشان می‌دهد که در تبیین توسعه، دو مجموعه از رویکردهای نظری را می‌توان از هم تمییز داد. یک مجموعه بر عوامل ساختاری تأکید داشته و تغییرات توسعه را با ارجاع به عوامل ساختاری تبیین می‌کنند. مجموعه دیگر بر عامل کارگزار تأکید کرده و تأثیر آن را بر توسعه مطالعه کرده‌اند.

نظریه دولت رانتیر، به استقلال اقتصادی دولت از جامعه و نتایج سیاسی و اقتصادی آن توجه دارد. اگر بخش قابل توجهی از درآمدهای یک دولت ناشی از منابعی خارج از فعالیت‌های اقتصاد ملی (نظیر منابع زیرزمینی) باشد، آن‌گاه دولت با کسب قدرت انحصاری، منافع خود را مستقل از منافع جامعه پیگیری خواهد کرد. آثار ناشی از رانت را می‌توان به صورت زیر برشمرد:

الف - اثر رانتیر! دولت‌های رانتیر، با سه روش زیر از درآمدهای نفتی خود برای کاهش فشارهای اجتماعی بهره می‌گیرند.

۱. **اثر مالیات‌گیری^۱**: مالیات‌گیری به این معنا است که به دلیل استقلال اقتصادی، دولت نیاز چندانی به مالیات شهروندان ندارد و در مقابل، تقاضا برای پاسخ‌گویی حکومت نیز اندک است.

۲. **اثر هزینه‌ها^۲**: دولت‌های رانتیر می‌توانند با استفاده از درآمدهای نفتی، اقدام به تشکیل و تقویت گروه‌های حامی خود کنند و با کسب نوعی مشروعیت کارکردی از فشارها برای پاسخ‌گویی بکاهند.

۳. **اثر شکل‌گیری گروه^۳**: این دولت‌ها می‌توانند با توزیع منابع رانتی از شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی مستقل که به صورت بالقوه زمینه‌ساز دموکراسی هستند، جلوگیری کنند.

۴. **اثر سرکوب^۴**: منابع حاصل از رانت، این امکان را به دولت‌های رانتیر می‌دهد که بیشتر در حوزه امنیت داخلی هزینه کنند و با گسترش دستگاه سرکوب، خواسته‌های شهروندان را سرکوب کنند.

۵. **اثر نوسازی^۵**: درآمد نفت، توان سازمان‌دهی نیروهای اجتماعی را تقویت نمی‌کند و تخصصی‌شدن مشاغل را که لازمه دموکراسی است به‌دنبال ندارد (Mahdavy, 1970; Beblawi, 1987; Ross, 2004).

براساس نظریه کاتوزیان اگر مالکیت خصوصی به‌مثابه حق، وجود نداشته باشد، آن‌گاه طبقات اجتماعی مستقل وجود نخواهند داشت. اگر طبقات اجتماعی مستقل نباشند، آن‌گاه دولت فراتر از طبقات اجتماعی و خودکامه خواهد بود. در چنین شرایطی، چارچوب حقوقی پایدار (قانون) وجود نخواهد داشت و این وضعیت موجب بروز تغییرات اجتماعی کوتاه‌مدت و ناپایدار خواهد بود. از آنجا که

1. Rentier Effect
2. Taxation Effect
3. Spending Effect
4. Group Formation Effect
5. Repression Effect
6. Modernization Effect

توسعه، نیازمند انباشت سرمایه و امری درازمدت است، تغییرات کوتاه‌مدت محل توسعه است (کاتوزیان، ۱۳۸۴ و ۲۰۰۴).

از نظریه‌های کارگزارمحور می‌توان به نظریه *لفت ویچ* اشاره کرد. وی معتقد است توسعه از عواملی نظیر ثبات داخلی (اعم از دموکراتیک یا غیردموکراتیک)، پذیرش در بازارهای بین‌المللی، روابط حسنه با اقتصادهای مسلط، استقلال نسبی دولت، بوروکراسی توانا، کاهش فساد، حداقل توافق میان گروه‌ها و مناطق درباره اهداف رشد، قوانین باز برای دستیابی به آن و افزایش روزافزون برابری منطقه‌ای و اجتماعی در زمینه توزیع هزینه‌ها و سود حاصل از رشد اقتصادی تأثیر می‌پذیرد. این شرایط از سیاست به‌معنای الگوهای همکاری، کشمکش و مذاکره بر سر استفاده، تولید و توزیع در جامعه نشئت می‌گیرند. به‌این ترتیب از نظر *لفت ویچ*، توسعه محصول سیاست‌های توسعه‌گرایانه است که توسط دولت توسعه‌گرا مستقل از شکل دموکراتیک یا غیردموکراتیک دولت-اعمال می‌شود (*لفت ویچ*، ۱۳۷۸: ۱۹۹۵). نظریه *لفت ویچ* توانایی تشریح توسعه را با توجه به امر سیاست دارد، اما نمی‌تواند سازوکارهای علی بین توسعه، سیاست و دولت توسعه‌گرا را تبیین کند.

براساس **نظریه انتخاب عمومی** تمام هستی‌های اجتماعی ترکیب منطقی از افراد هستند و موجودیتی فراتر از افراد تشکیل‌دهنده ندارند (فردگرایی روش‌شناختی)؛ این افراد در هر جایگاهی که باشند، خواسته‌ها و منافع زیادی خواهانه دارند که برای تحقق آن حساب‌گرانه رفتار می‌کنند. سیاست به‌عنوان ساختاری پیچیده از مبادلات میان افراد در نظر گرفته می‌شود؛ ساختاری که فرد در آن به‌دنبال دستیابی به اهداف فردی تعریف‌شده خود از طریق یک سازوکار جمعی است. به‌این ترتیب در چارچوب این نظریه، دولت مرکب از افراد است و برای شناخت عملکرد دولت و تحلیل آن (از جمله نقش آن در توسعه)، باید به مطالعه انگیزه‌ها و کنش‌های دولت‌مردان پرداخت. این گزاره به آن معنی است که در نظام‌های دموکراتیک، سیاستمداران حاکم همیشه چنان عمل می‌کنند که تعداد رأی‌دهندگان به خود را به حداکثر برسانند. دولت نقش کارآفرینی را ایفا می‌کند که به‌جای تولید محصول در ازای دریافت پول، سیاست‌های خود را در قبال کسب آرای بیشتر به فروش می‌گذارد. علاوه بر این، حاکمان برای کسب آرای لازم باید با

سایر رقبا رقابت کنند؛ همان‌گونه که دو یا چند انحصارگر در تلاش برای افزایش فروش کالاهای‌شان در بازار با یکدیگر رقابت می‌کنند و مشتریان رضایت خود را از یک کالا با پرداخت قیمت و خرید آن اظهار می‌کنند، در عرصه سیاسی نیز مردم رضایت خود را از یک سیاست با رأی دادن به حامیان آن ابراز می‌کنند (گانینگ، ۱۳۸۵؛ کاپوراسو، ۱۳۸۷؛ Tullock, 2002؛ Mueller, 2003). به این ترتیب از منظر انتخاب عمومی، توسعه از رهگذر بررسی کنش سیاستمداران بیشینه‌جوی منفعت قابل تبیین است.

نظریه انتخاب عمومی ساختارمند تلاشی برای ترمیم ضعف‌های روش‌شناختی نظریه انتخاب عمومی است. نظریه انتخاب عمومی قادر است تبیینی از صورت‌بندی وضعیت اجتماعی بر مبنای کنش‌های افراد و انگیزه‌های راهبر این کنش‌ها ارائه دهد؛ اما این تبیین در مرحله ارجاع به انگیزه‌های منفعت‌جویانه افراد - که با توجه به هستی‌شناسی نظریه، شامل همگان و در تمام شرایط می‌شود - متوقف می‌ماند. در چارچوب این نظریه می‌توان هر کنشی را براساس انگیزه‌های منفعت‌جویانه تبیین کرد، اما در عین حال نمی‌توان چرایی تعیین منفعت را در یک کنش خاص تبیین کرد. انتخاب عمومی ساختارمند، تلاشی استعلایی برای گذار از این محدودیت روش‌شناختی است. این نظریه می‌کوشد با قرار دادن نظریه انتخاب عمومی - که مبتنی بر فردگرایی روش‌شناختی است - در زمینه ساختاری نظریه راهبردی - ارتباطی جسوپ قدرت تبیینی آن را ارتقا دهد. براساس این نظریه، کنش راهبردی بازیگران با توجه به تصوره‌های آنان از بستر ساختارمند، با هدف بیشینه‌سازی منافع به صورت آگاهانه در چارچوب امکانات و محدودیت‌های این بستر جریان می‌یابد. در این چارچوب، تبیین مستلزم دو گام است:

گام نخست: تبیین وضعیت اجتماعی عینی به‌مثابه پیامد کنش‌های کنشگران منفعت‌جو؛

گام دوم: تبیین کنش‌ها به‌عنوان گزینش بازیگران بر مبنای شناخت از بستر ساختارمند و با هدف پیگیری منفعت.

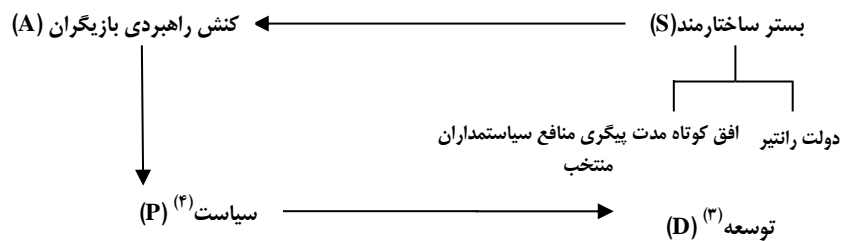
انتخاب عمومی ساختارمند در گام نخست با الزامات فردگرایی روش‌شناختی و الگوی تحلیلی انتخاب عمومی موافق است، اما در گام دوم، با عبور از نظریه

انتخاب عمومی در ایستگاه تبیین روان‌شناختی کنش، به مرحله شناخت کنشگر از راهبردهای پیشنهادی ساختار اجتماعی برای پیگیری منفعت وارد می‌شود. در این چارچوب، کنشگران همچنان جویای منفعت هستند، اما در جلب منفعت نمی‌توانند به هر کنشی دست بزنند، بلکه ساختار اجتماعی، راهبردهای محدودی را برای تأمین هدف کنشگران در اختیار آنان قرار می‌دهد (دین‌پرست و ساعی، ۱۳۹۰).

دستگاه نظری پژوهش با بهره‌گیری از امکانات تحلیلی نظریات یادشده و از طریق بازسازی عقلانی مفهومی ارائه خواهد شد. براساس نظریه انتخاب عمومی ساختارمند، کنش راهبردی بازیگران با توجه به تصورات آنان از بستر ساختارمند، با هدف بیشینه‌سازی منافع به صورت آگاهانه در این بستر جریان می‌یابد.

با تلفیق این گزاره با مفاهیم نظریه لفت ویچ، می‌توان گفت توسعه پیامد سیاست‌های ناشی از کنش راهبردی بازیگران بیشینه‌جویی است که با توجه به امکانات و محدودیت‌های بستر ساختارمند عمل می‌کنند. با در نظر گرفتن نقش تعیین‌کننده بستر ساختارمند در کنش بازیگران ناگزیر باید به شناخت ابعاد بستر ساختارمند پرداخت. با الهام از نظریه دولت رانتیر می‌توان یکی از ابعاد بستر ساختارمند را دولت رانتیر فرض کرد. نظریه کاتوزیان نیز یکی دیگر از ابعاد بستر ساختارمند را بازگو می‌کند. بر مبنای این نظریه، هرگاه جامعه‌ای زمینه‌ساز تغییرات کوتاه‌مدت باشد، آن‌گاه توسعه با مانع روبه‌رو می‌شود. از رهگذر تلفیق نظریه کاتوزیان و نظریه انتخاب عمومی می‌توان گفت که افق کوتاه‌مدت پیگیری منافع سیاستمداران منتخب بعد دیگر بستر ساختارمند است. با الحاق این مفاهیم، صورت‌بندی دستگاه نظری تحقیق به صورت زیر است.

شکل شماره (۱). مدل دستگاه نظری پژوهش



اگر بستر ساختارمند دولت رانتیر و افق کوتاه‌مدت، پیگیری منافع سیاستمداران

منتخب باشد، آن‌گاه کنش راهبردی سیاستمداران منتخب معطوف به تأمین رضایت زودهنگام انتخاب‌کنندگان خواهد بود؛ نتیجه این نوع کنش، سیاست تأمین رضایت زودهنگام انتخاب خواهد بود که نقشی بازدارنده در توسعه اقتصاد ملی دارد. با توجه به آنچه گفته شد، پاسخ فرضی به پرسش مطرح‌شده (در قالب فرضیه پژوهش) این است که اگر بستر ساختارمند بر دو بعد دولت رانتیر و افق کوتاه‌مدت پیگیری منافع سیاستمداران منتخب (در این پژوهش نمایندگان مجلس) استوار باشد، کنش راهبردی سیاستمداران منتخب معطوف به تأمین رضایت زودهنگام انتخاب‌کنندگان است؛ نتیجه این نوع کنش، سیاست تأمین رضایت زودهنگام انتخاب‌کنندگان خواهد بود که نقشی بازدارنده در توسعه اقتصاد ملی ایران دارد.

۱. تعریف عملیاتی مفاهیم

کارکرد تعریف عملیاتی، تجربی‌سازی مفاهیم است. معرف‌های حاصل از تعریف عملیاتی، دلالت بر ابعاد و نشانه‌های قابل سنجش مفهوم دارند (ساعی، ۱۳۸۶: ۷۶-۷۴). کنش راهبردی معطوف به رضایت زودهنگام انتخاب‌کنندگان: ابعاد این مفهوم در تحقیق حاضر عبارت است از: کنش‌های گفتاری نمایندگان در صحن علنی، مجلس شورای اسلامی در قالب نطق پیش از دستور، تذکرات به مسئولان اجرایی، ارائه پیشنهاد در تبصره‌های لایحه‌های بودجه سالیانه، سؤالات و موارد استیضاح وزرا. معرف‌های مختلف ابعاد این مفهوم با مطالعه اکتشافی در مورد موضوعات گزاره‌های طرح‌شده توسط نمایندگان و سپس دسته‌بندی مقوله‌های استخراج‌شده در چارچوب نظریه آلموند^۱، جونپور^۲ و مونت^۳ درباره سیاست عمومی^۴ استخراج شده است.^(۵) این تئوری به دلیل تناسب با دلالت‌های دستگاه نظری پژوهش در مورد سیاست برای تجمیع گویه‌ها و ساختن مقوله‌های تلفیقی مورد استفاده قرار گرفت. عملکرد توزیعی محلی و عملکرد توزیعی ملی در حوزه عدالت توزیعی، معرف‌های کنش راهبردی معطوف به رضایت زودهنگام انتخاب‌کنندگان هستند.

1. Gabreil Abraham Almond
2. G.Bingham Powell, Jr
3. Robert J.Mundt
4. Public Policy

بستر ساختارمند: دو بعد افق کوتاه‌مدت پیگیری منافع کارگزاران و دولت رانتیر، در بستر ساختارمند ایران مورد توجه قرار گرفته است، که در زیر معرف‌های مربوط بیان می‌شود.

دولت رانتیر: از نظر بیلووی، دولتی که دست‌کم ۴۲ درصد درآمد دولت از محل رانت‌های خارجی باشد، دولت رانتیر است (Beblawi, 1987: 88). در این پژوهش از تعریف عملیاتی بیلووی استفاده شده است. برای محاسبه سهم منابع رانتی در درآمدهای دولت، سهم درآمد حاصل از فروش دارایی‌های سرمایه‌ای شامل صادرات نفت و گاز و برداشت از حساب ذخیره ارزی در بودجه‌های سالیانه محاسبه خواهد شد (خلعتبری، ۱۳۸۲).

افق کوتاه‌مدت پیگیری منافع: مراد از این مفهوم، شرایطی است که در آن منافع سیاستمداران متصدی و نیز طالبان تصدی قوای مقننه و مجریه که همانا تداوم یا کسب قدرت سیاسی است، از طریق اقدامات یا وعده اقدامات ناظر به آینده نزدیک تأمین می‌شود (فرزانگان، ۲۰۰۹؛ وانچکان، ۲۰۰۲؛ نیلی، ۱۳۹۰). در یک نظام سیاسی که واجد حداقلی از صفات نظام دموکراتیک در حد کسب قدرت سیاسی از رهگذر انتخابات است (کوهن، ۱۳۷۳: ۲۷)، سازوکار تبدیل ترجیحات و آرای شهروندان به مناصب سیاسی انتخابی، که با عنوان «نظام انتخاباتی»^۱ شناخته می‌شود (لیپست، ۱۳۸۳: ۲۵۵؛ Mclean, 2009: 167)، معرف مفهوم افق پیگیری منافع به‌شمار می‌آید. برخی نظام‌های انتخاباتی منافع سیاستمداران منتخب را در افق بلندمدت تعیین می‌بخشند، برخی دیگر منفعت سیاستمداران منتخب را در افق کوتاه‌مدت متعین می‌کنند. نظام انتخاباتی واسط میان انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان است؛ از این‌رو منفعت سیاستمداران منتخب در چارچوب امکانات و محدودیت‌های نظام انتخاباتی شکل می‌گیرد. نظام انتخاباتی به‌مثابه یک میانجی، ترجیحات متنوع شهروندان را به مناصب سیاسی تبدیل می‌کند. معمول‌ترین شیوه برای بررسی نظام‌های انتخاباتی، طبقه‌بندی آنها براساس میزان انطباق کرسی‌های برنده با آرا است. باید به این موضوع توجه کرد که چه میزان از آرای صحیح، در فرایند تبدیل به کرسی، تلف می‌شوند و عملاً بدون کرسی می‌مانند. با توجه

به این اصل و نیز با در نظر داشتن اصولی چون تعداد نمایندگان هر حوزه انتخابیه هر تعداد حق رأی انتخاب کنندگان می توان نظام های انتخاباتی را طبقه بندی کرد. علی رغم تنوع نظام های انتخاباتی، می توان آنها را به سه گروه عمده اکثریتی، تناسبی و مختلط تقسیم کرد. نظام انتخاباتی اکثریتی، موجب برقراری تعهد بیشتر نماینده در قبال انتخاب کنندگان می شود (هیوود، ۱۳۸۹: ۳۳۷-۳۳۳)؛ از این رو نظام انتخاباتی اکثریتی، معرف این مفهوم محسوب می شود.

سیاست تأمین رضایت فوری انتخاب کنندگان: با توجه به نقش کلیدی سند برنامه توسعه در تخصیص منابع، معرف های این مفهوم عبارتند از: (۱) افزایش غیر واقعی منابع؛ (۲) افزایش مصارف برنامه توسعه (کردبچه، ۱۳۸۵: ۶۲-۶۰)؛ و (۳) جهت گیری حمایت گرایانه و توزیعی تغییرات اعمالی مجلس در مفاد لوایح برنامه توسعه.

توسعه اقتصاد ملی: مراد از توسعه اقتصاد ملی، افزایش قدرت اقتصادی کشور از رهگذر افزایش تولید ناخالص داخلی است. معرف این مفهوم، تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت (۶) است. این معرف حاصل حذف آثار تورم بر تولید ناخالص داخلی اسمی است و ارزش کل فعالیت های اقتصادی را براساس ارزش پول در سال پایه بیان می کند. تولید ناخالص داخلی سرانه بر مبنای قیمت های ثابت، معرف مشارکت هریک از شهروندان جامعه در فعالیت های اقتصادی است (ارباب، ۱۳۸۸: ۶۹).

معرف های این مفهوم با مقایسه نسبت تولید ناخالص سرانه ایران به تولید ناخالص داخلی سرانه در پنج گروه (الف) متوسط جهانی، (ب) میانگین کشورهای پردرآمد (۸)، (ج) میانگین کشورهای دارای درآمد متوسط روبه بالا (۹)، (د) میانگین کشورهای دارای درآمد متوسط (۱۰) (ه) میانگین کشورهای مهم حوزه چشم انداز ایران (۱۱) محاسبه شده است. با توجه به معرف های بالا، شاخص توسعه اقتصاد ملی ایران با فرمول زیر محاسبه می شود.

$$IED = \frac{\text{مجموع نسبت های پنج گانه}}{5}$$

۲. روش پژوهش

روش گردآوری شواهد تجربی، دو روش تاریخی (اسنادی) و تحلیل محتوا است.

داده‌ها و شواهد تجربی بستر ساختارمند، توسعه اقتصاد ملی، سیاست تأمین رضایت فوری انتخاب‌کنندگان از طریق مراجعه به اسناد تاریخی شامل سری‌های زمانی بانک مرکزی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۳، قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، گزارش‌های بانک جهانی، لوایح و قوانین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اول تا سوم و شواهد مربوط به کنش راهبردی سیاستمداران منتخب از طریق تحلیل محتوای مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۳ گردآوری شده است.

در این پژوهش با التزام به معیار هدف (و نه داده‌ها)^(۱۲) در شناسایی از روش تاریخی-تطبیقی استفاده شده است. این روش بر مبنای روش‌شناسی ترکیب‌گرایانه مورد استفاده قرار گرفته است. در این مینا، تفسیر تاریخی و تبیین قانونی حضور هم‌زمان دارند. روش‌شناسی ترکیب‌گرایانه با هدف بهره‌گیری هم‌زمان از عمق رویکرد تفسیری و دقت رویکرد تبیین قانونی مستلزم نگاه به واقعه مورد تحقیق از دو منظر است. نخست، واقعه تحقیق به مثابه امری خاص^۱ و منحصر به فرد در زمینه تاریخی معین تلقی می‌شود؛ از این رو تحلیل واقعه از رهگذر بررسی تسلسل حوادثی که در مرحله نهایی به تولید واقعه تحقیق منجر شده است، انجام می‌شود. در مرحله دوم، واقعه خاص، به مثابه شاهدهی از واقعه عام است. تبیین واقعه خاص از طریق قوانین کلی ناظر به واقعه عام^۲ است که علت واقعه خاص نیز براساس نظم قیاسی از قوانین کلی قابل استنتاج است. (ساعی، ۱۳۸۶: ۲۵)

داده‌های تجربی تاریخی را می‌توان در دو سطح تحلیل کرد: (۱) تحلیل درون‌سیستمی؛ (۲) تحلیل بین‌سیستمی. در این پژوهش در هر دو سطح، از روش تحلیل روایتی استفاده شده است. لازم به ذکر است که با توجه به ماهیت معرفت‌های کنش راهبردی و دولت رانتیر، از تحلیل توصیفی کمی و تکنیک‌های آماری توزیع فراوانی، درصد توزیع فراوانی و میانگین برای متغیرهای این دو مفهوم استفاده شده است. به طور کلی باید گفت روش اصلی مورد استفاده در این پژوهش، روش تحلیل روایتی^۳ است که روشی کیفی تلقی می‌شود؛ اما به اقتضای برخی متغیرها، روش

1. Particular Event
2. Universal Event
3. Narrative Analysis

کمی نیز در درون این تحلیل استخدام شده است. داده‌های تاریخی و داده‌های تحلیل محتوا نیز با راهنمایی تئوری پژوهش تحلیل روایتی شده‌اند. واحدهای تحلیل و مشاهده: در این پژوهش، کشور، دوره‌های زمانی و مضمون واحد تحلیل را تشکیل می‌دهند. منظور از کشور، ایران است و منظور از دوره‌های زمانی، دوره‌های برنامه اول، دوم و سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. منظور از مضمون نیز مقوله‌های ابعاد کنش راهبردی نمایندگان مجلس است^(۱۳). واحد مشاهده^(۱۴) برای تحلیل محتوای کنش راهبردی سیاستمداران منتخب، مشروح مذاکرات مجلس است. دیگر اسناد مورد بررسی این پژوهش را قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، متن لوایح و نیز قوانین برنامه‌های توسعه و نیز گزارش‌های بانک جهانی تشکیل می‌دهند. برای تحلیل محتوای کنش راهبردی سیاستمداران منتخب^(۱۵)، ابعاد این مفهوم در بازه زمانی ۱۵ آذر تا ۱۵ اسفند سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۳ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. تحلیل تجربی

تحلیل تجربی در دو سطح انجام شده است: نخست تحلیل توصیفی^۱ و سپس تحلیل تبیینی^۲. در تحلیل توصیفی، چگونگی توزیع داده‌های تجربی هریک از معرف‌های مفاهیم تئوری به صورت جداگانه در دوره‌های تحقیق بررسی شده است. در تحلیل تبیینی، راه‌حل نظری مسئله از طریق گزاره‌های مشاهده‌ای مورد آزمون تجربی قرار گرفته است. تحلیل تبیینی در سطح بین‌سیستمی انجام می‌شود.

تحلیل توصیفی: در سطح درون‌دوره‌ای با استفاده از تکنیک‌های آماری و نیز تکنیک تحلیل روایتی، داده‌های تجربی هریک از مفاهیم تحقیق بررسی شده‌اند.

۲-۱-۱. دولت رانتیر

در دوره اول برنامه توسعه، سهم درآمدهای نفتی در درآمدهای عمومی دولت بین حداقل ۴۷/۷ درصد (در سال ۱۳۶۸) و حداکثر ۷۰ درصد (در سال ۱۳۷۲) در نوسان بوده و به‌رحال با توجه به شاخص تعیین‌شده برای دولت رانتیر، دولت

1. Discriptive Analysis
2. Explanatory Analysis

ایران در خلال این سال‌ها رانتیر محسوب می‌شود. در دوره برنامه دوم توسعه نیز هیچ‌گاه سهم درآمدهای نفتی در ترکیب درآمدهای دولت از حد تعیین‌شده در شاخص دولت رانتیر پایین‌تر نرفته است. حداقل این نسبت در خلال این دوره در سال ۱۳۷۷ به میزان ۴۲ درصد بود که در اثر کاهش نرخ نفت خام تا حدود هر بشکه ۱۱ دلار رخ داد. در سال ۱۳۷۴ نیز این نسبت به حداکثر این دوره یعنی ۷۱ درصد رسید. در دوره برنامه سوم توسعه، دولت ایران همچنان در رده دولت‌های رانتیر قرار دارد. در این دوره، کمترین میزان وابستگی دولت به درآمد رانتی ۵۵/۸ درصد بوده است.

جدول شماره (۱). داده‌های تجربی میزان وابستگی دولت به درآمدهای نفتی در دوره برنامه‌های اول تا سوم توسعه

سال	کل درآمدهای بودجه (میلیارد ریال)	درآمد نفت در بودجه (میلیارد ریال)	نسبت درآمد نفتی در بودجه به کل درآمدها (درصد)
۱۳۶۸	۳۱۷۴/۶	۱۵۱۵/۱	۴۷/۷
۱۳۶۹	۵۶۳۲/۵	۳۳۷۵/۱	۵۹/۹
۱۳۷۰	۶۹۳۳/۵	۳۵۴۹/۴	۵۱/۱
۱۳۷۱	۹۸۸۴/۵	۵۱۴۵/۹	۵۲
۱۳۷۲	۲۰۵۰۰/۷	۱۴۶۸۳/۲	۷۱٫۶
دوره اول	۴۶۱۲۵/۸	۲۸۲۶۸/۷	۶۱٫۲
۱۳۷۴	۴۱۴۲۷/۷	۲۹۴۳۱/۲	۷۱
۱۳۷۵	۵۷۱۲۱/۹	۳۸۱۵۳	۶۶/۷۹
۱۳۷۶	۶۲۳۷۸/۱	۳۶۴۴۶/۷	۵۸/۴
۱۳۷۷	۵۳۶۲۶	۲۲۵۳۰	۴۲
۱۳۷۸	۹۳۳۱۵/۷	۴۴۳۴۴	۴۸
دوره دوم	۲۱۴۵۵۳/۷	۱۷۰۹۰۴/۹	۷۶/۶
۱۳۷۹	۱۰۴۶۴۰/۸	۵۹۴۴۸/۵	۵۶/۸
۱۳۸۰	۱۲۸۸۵۹/۶	۷۱۹۵۷/۱	۵۵/۸
۱۳۸۱	۲۲۹۹۶۳	۱۳۸۵۰۲/۴	۶۰
۱۳۸۲	۲۷۶۱۹۱/۸	۱۸۴۲۶۰/۹	۶۶/۷
۱۳۸۳	۳۳۷۴۴۸	۲۱۵۹۱۹/۳	۶۴
دوره سوم	۱۰۷۷۱۰۳/۲	۶۷۰۰۸۸/۲	۶۲/۲

منبع: سری‌های زمانی بانک مرکزی

۲-۱-۲. افق کوتاه‌مدت پیگیری منافع نمایندگان

براساس اصل ۶۲ قانون اساسی، پارلمان ایران تک‌مجلسی است؛ تعیین «کیفیت انتخاب» نمایندگان مجلس - که براساس مفاد همین اصل به‌طور مستقیم و با رأی

مخفی برگزیده می‌شوند. از وظایف قانون‌گذار عادی برشمرده شده است. به این ترتیب با سکوت نسبی قانون اساسی در مورد نظام انتخاباتی پارلمان، قانون مصوب مجلس شورای اسلامی، تعیین‌کننده نظام انتخاباتی است. مطابق قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۲ و اصلاحات بعدی آن در تیر ۱۳۶۳، نظام انتخاباتی ایران اکثریت دو دوری در حوزه‌های انتخابیه محلی (شامل یک یا چند شهرستان نزدیک هم) بود که حد نصاب لازم برای راهیابی نامزدها به مجلس در مرحله نخست، کسب یک دوم آرای رأی‌دهندگان حوزه انتخابیه بود. در صورتی که برابر کرسی‌های نمایندگی حوزه انتخابیه، نامزدها نمی‌توانستند حد نصاب را کسب کنند، به تعداد دو برابر کرسی‌های باقی‌مانده، نامزدهایی که به ترتیب حائز بیشترین آرا شده بودند، با نصاب اکثریت نسبی در دور دوم رقابت می‌کردند. این نظام هم در حوزه‌های تک‌نماینده‌ای و هم حوزه‌های چندنماینده‌ای به کار گرفته می‌شد. در طول دوره تحقیق، نظام انتخاباتی پارلمان، نظام اکثریتی دودوری بوده است، اما در طول زمان، نصاب اکثریت در دور اول با کاهش مواجه شده است؛ به گونه‌ای که با اصلاح قانون انتخابات مجلس در سال ۱۳۷۸، این نصاب به یک‌چهارم آرای مأخوذه تبدیل شده است (قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۷۸).

۳-۱-۲. کنش راهبردی

الف- دوره برنامه اول توسعه: در دوره اول تحقیق، نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۳/۶ درصد اظهارات خود را به عملکردهای جامعه و ۹۶/۳۴ درصد را به عملکردهای دولت اختصاص دادند. شواهد تجربی دلالت بر آن دارد که در دوره برنامه اول، نمایندگان مجلس توجه بسیار محدودی به حوزه‌های مستقل از قدرت مستقیم دولت داشتند. در دوره نخست، در میان عملکردهای چهارگانه دولت، عملکرد توزیعی ۷۸/۹۲ درصد کنش راهبردی نمایندگان را دربرگرفته است. آن‌گونه که در جدول شماره (۲) مشاهده می‌شود، بیش از ۵۵ درصد کنش راهبردی نمایندگان به‌طور مستقیم معطوف به تأمین نیازهای متنوع حوزه‌های انتخابیه بوده است. تأمین این نیازها هرچند موجب

افزایش نرخ بهره‌مندی شهروندان به‌ویژه در مناطق محروم‌تر می‌شد؛ اما درعین حال منابع محدود موجود به‌سبب تأمین این نیازها مستقل از کارایی آنها می‌شد. براساس داده‌های تجربی مندرج در این جدول، تنها ۶/۷ درصد از کنش راهبردی معطوف به سرمایه‌گذاری و بیش از ۱۶/۶۷ درصد ناظر به برقراری عدالت توزیعی بوده است. بیش از $\frac{3}{4}$ کنش راهبردی نمایندگان، معطوف به توزیع امکانات، فرصت‌ها و ثروت بوده است؛ به‌گونه‌ای که بیش از ۷۲ درصد کنش راهبردی نمایندگان ناظر به توزیع ثروت موجود در مقیاس ملی و منطقه‌ای بود. در مقابل، عملکرد استخراجی دولت فقط به میزان ۱/۱۱ درصد از کل کنش راهبردی نمایندگان را در دوره نخست به خود اختصاص داده بود. درصد فراوانی عملکرد نمادین نیز ۱/۱۴ بود.

جدول شماره (۲) گویای فراوانی کنش راهبردی نمایندگان در دوره اول پژوهش است. این جدول نشان می‌دهد که نمایندگان دوره سوم و چهارم مجلس شورای اسلامی در دوره برنامه اول توسعه، تأکید تام بر نقش دولت داشتند و از همین‌رو در کنش‌های راهبردی خود سهمی کمتر از ۴ درصد به جامعه اختصاص دادند. شواهد تجربی این جدول دلالت بر آن دارد که در دوره یادشده، توزیع منابع، امکانات و فرصت‌ها با تأکید بر نگاه منطقه‌گرایانه در کانون توجه نمایندگان قرار داشت. در دوره اول، کنش راهبردی معطوف به رضایت زودهنگام انتخاب‌کنندگان وجود داشته است.

جدول شماره (۲). داده‌های تجربی تجمیعی کنش راهبردی نمایندگان مجلس شورای اسلامی در دوره اول پژوهش

گویه‌ها		۶۸		۶۹		۷۰		۷۱		۷۲		جمع	
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
جمع عملکرد جامعه	۱۰۰۱۴	۵۶	۵۵۹	۲۳	۲۸۴	۱۸	۲۱۴	۱۱	۱۲۹	۱۲۸	۳۶۶	۳۶۶	
جمع عملکرد تنظیمی	۷۰۹	۹۱	۹۰۸	۶۹	۸۵۲	۴۰	۴۹۷	۵۱	۵۹۸	۵۷۱	۱۵۱۳	۱۵۱۳	
جمع عملکرد نمادین	۳۷۲	۱۴	۱۴۰	۱۶	۱۹۸	۰	۰	۲	۰۲۲	۴۳	۱۱۴	۱۱۴	
عملکرد استخراجی	۰۲۴	۲۱	۲۱۰	۰	۱۱۱	۴	۵۰	۷	۰۸۲	۴۲	۱۱۱	۱۱۱	
جمع عملکرد توزیعی	۱۸۷	۶۳۱۸	۲۸۲	۳۸۲۲	۵۰۵	۶۲۳۵	۵۷	۷۲۹۲	۴۴۶	۵۱۱۱	۲۰۹۸	۵۵۵۹	
عملکرد توزیعی	جمع عملکرد	عدالت	۱۹۸	۱۹۷۶	۹۸	۱۲۱۰	۱۹	۹۸۱	۲۴۳	۲۸۴۹	۶۱۹	۱۶۶۷	۱۶۶۷
		توزیعی	۱۰۱	۱۰۱	۹۶	۹۵۸	۳۴	۴۲۰	۸۳	۹۷۳	۲۵۳	۶۷۰	۶۷۰
		سرمایه‌گذاری	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳
جمع عملکرد توزیعی ملی	۲۰۲	۲۹۴	۲۹۴	۲۹۴	۱۱۳	۱۶۳۰	۱۱۶	۱۴۴۱	۳۲۶	۳۸۱۲	۲۳۲۷	۲۳۲۷	
جمع عملکرد توزیعی	۱۹۳	۶۵۲۰	۶۷۷	۶۷۵۶	۶۳۷	۷۸۶۴	۷۰۳	۸۷۱۳	۱۶۲	۸۹۱۳	۳۹۸۰	۷۸۵۴	
جمع عملکرد دولت	۲۶۶	۸۹۸۶	۹۴۶	۹۴۴۱	۷۷۷	۹۷۱۶	۷۸۷	۹۷۱۶	۸۴۲	۹۸۷۱	۳۶۴۴	۹۶۶۴	
جمع کل	۳۹۶	۱۰۰۰۰	۱۰۰۲	۱۰۰۰۰	۸۱۰	۱۰۰۰۰	۸۰۵	۱۰۰۰۰	۸۵۳	۱۰۰۰۰	۳۷۷۴	۱۰۰۰۰	

درصد فراوانی بر مبنای نسبت فراوانی گویه به جمع کل گویه‌های کنش راهبردی نمایندگان در هر سال محاسبه شده است.

ب- دوره برنامه دوم توسعه: در دوره دوم تحقیق، نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۳/۶

درصد اظهارات خود را به عملکردهای جامعه و ۹۶/۳۴ درصد را به عملکردهای دولت اختصاص دادند. شواهد تجربی دلالت بر آن دارد که در دوره برنامه دوم، نمایندگان مجلس توجه بسیار محدودی به حوزه‌های مستقل از قدرت مستقیم دولت داشتند. در دوره دوم در میان عملکردهای چهارگانه دولت، عملکرد توزیعی ۷۸/۹۲ درصد کنش راهبردی نمایندگان را دربرگرفته است. بیش از ۴۹ درصد کنش راهبردی نمایندگان به‌طور مستقیم معطوف به تأمین نیازهای متنوع حوزه‌های انتخابیه بوده است. تأمین این نیازها هرچند موجب افزایش نرخ بهره‌مندی شهروندان به‌ویژه در مناطق محروم‌تر می‌شد، اما درعین حال منابع محدود موجود به‌موجب تأمین این نیازها مستقل از کارایی آنها می‌شد. این میزان توجه به توزیع امکانات با نگاه منطقه‌ای هرچند نسبت به دوره اول حدود ۶ درصد کمتر است، اما کماکان بیشترین سهم کنش راهبردی نمایندگان به این عملکرد اختصاص دارد. براساس داده‌های تجربی مندرج در این جدول، فقط ۷/۶۲ درصد از کنش راهبردی معطوف به سرمایه‌گذاری و بیش از ۲۱ درصد ناظر به برقراری عدالت توزیعی بوده است. بیش از $\frac{3}{4}$ کنش راهبردی نمایندگان معطوف به توزیع امکانات، فرصت‌ها و ثروت بوده است؛ به‌گونه‌ای که بیش از ۷۰ درصد کنش راهبردی نمایندگان ناظر به توزیع ثروت موجود در مقیاس ملی و منطقه‌ای بود. در ازای این سهم برای عملکرد توزیعی، فقط ۱/۰۷ درصد کنش راهبردی نمایندگان به عملکرد استخراجی اختصاص داشت.

جدول شماره (۳). داده‌های تجربی تجمیعی کنش راهبردی نمایندگان مجلس شورای اسلامی در دوره دوم پژوهش

جمع		۷۸		۷۷		۷۶		۷۵		۷۴		گویه‌ها		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد			
۳,۶۲	۹۸	۶,۱۰	۳۳	۲,۲۶	۱۶	۲,۷۲	۱۵	۲,۷۸	۱۶	۵,۴۹	۱۸,۰۰	جمع عملکرد جامعه		
۱۶,۰۸	۴۳۵	۱۰,۹۱	۵۹	۲۱,۱۶	۱۵۰	۲۴,۵۰	۱۳۵	۸,۵۱	۴۹	۱۲,۸۰	۴۲	جمع عملکرد تنظیمی		
۱,۲۲	۳۳	۱,۸۵	۱۰	۱,۶۹	۱۲	۱,۰۹	۶	۰,۶۹	۴	۰,۳۰	۱	جمع عملکرد نمادین		
۱,۰۷	۲۹	۰,۳۷	۲	۱,۶۹	۱۲	۱,۰۹	۶	۱,۳۲	۷	۰,۶۱	۲	عملکرد استخراجی		
۴۹,۳۴	۱۳۳۲	۴۸,۲۴	۲۶۱	۴۵,۲۸	۳۲۱	۴۶,۱۰	۲۵۴	۵۲,۴۳	۳۰۲	۵۹,۱۵	۱۹۴	جمع عملکرد توزیعی منطقه‌ای	عملکرد توزیعی	
۲۱,۱۵	۵۷۲	۲۵,۱۴	۱۳۶	۱۸,۰۵	۱۲۸	۱۶,۸۸	۹۳	۲۷,۰۸	۱۵۶	۱۷,۹۹	۵۹	عدالت توزیعی		جمع عملکرد
۷,۶۲	۲۰۶	۷,۳۹	۴۰	۹,۸۷	۷۰	۷,۶۲	۴۲	۷,۲۹	۴۲	۳,۶۶	۱۲	سرمایه‌گذاری		توزیعی ملی
۲۸,۷۶	۷۷۸	۳۲,۵۳	۱۷۶	۲۷,۹۳	۱۹۸	۲۴,۵۰	۱۳۵	۳۴,۳۸	۱۹۸	۲۱,۶۵	۷۱	جمع عملکرد توزیعی ملی		
۷۸,۰۰	۲۱۱۰	۸۰,۷۸	۴۳۷	۷۳,۲۰	۵۱۹	۷۰,۶۰	۳۸۹	۸۶,۸۱	۵۰۰	۸۰,۷۹	۲۶۵	جمع عملکرد توزیعی		
۹۶,۳۸	۲۶۰۷	۹۳,۹۰	۵۰۸	۹۷,۷۴	۶۹۳	۹۷,۲۸	۵۳۶	۹۷,۲۲	۵۶۰	۹۴,۵۱	۳۱۰	جمع عملکرد دولت		
۱۰۰,۰۰	۲۷۰۵	۱۰۰,۰۰	۵۴۱	۱۰۰,۰۰	۷۰۹	۱۰۰,۰۰	۵۵۱	۱۰۰,۰۰	۵۷۶	۱۰۰,۰۰	۳۲۸	جمع کل		

درصد فراوانی بر مبنای نسبت فراوانی گویه به جمع کل گویه‌های کنش راهبردی نمایندگان در هر سال محاسبه شده است.

جدول شماره (۳) نشان می‌دهد که نمایندگان دوره چهارم و پنجم مجلس شورای اسلامی در دوره برنامه دوم توسعه، تأکید تام بر نقش دولت داشتند؛ از این رو در کنش‌های راهبردی خود سهمی کمتر از ۴ درصد به جامعه اختصاص دادند. شواهد تجربی این جدول دلالت بر آن دارد که در این دوره نیز توزیع منابع، امکانات و فرصت‌ها با تأکید بر نگاه منطقه‌گرایانه در کانون توجه نمایندگان قرار داشت.

ج- دوره برنامه سوم توسعه: در دوره سوم تحقیق، نمایندگان مجلس شورای اسلامی کمی بیش از ۳ درصد اظهارات خود را به عملکردهای جامعه و حدود ۹۷ درصد را به عملکردهای دولت اختصاص دادند. شواهد تجربی دلالت بر آن دارد که در دوره برنامه سوم، نمایندگان مجلس توجه بسیار محدودی به حوزه‌های مستقل از قدرت مستقیم دولت داشتند. در این دوره که هم‌زمان با دوره ششم مجلس شورای اسلامی با اکثریت نمایندگان اصلاح‌طلب است، گویه‌های اجرای قانون اساسی و حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان هم فراوانی قابل تأملی داشته‌اند. آنچه از منظر این پژوهش مهم است، این نکته است که حتی در مجلس ششم که سیاسی‌ترین دوره پارلمان در دوره جمهوری اسلامی قلمداد می‌شود، هرچند عملکرد تنظیمی سهم بالاتری از کنش راهبردی را به خود اختصاص داده، اما در میان گویه‌های این عملکرد بیشترین فراوانی متعلق به گویه‌هایی است که در دوره‌های پیشین نیز دارای بیشترین فراوانی بودند. در دوره سوم در میان عملکردهای چهارگانه دولت، عملکرد توزیعی ۷۸/۹۱ درصد کنش راهبردی نمایندگان را دربرگرفته است. آن‌گونه که در جدول شماره (۳) مشاهده می‌شود، نزدیک ۵۴ درصد کنش راهبردی نمایندگان به‌طور مستقیم معطوف به تأمین نیازهای متنوع حوزه‌های انتخابیه بوده است. تأمین این نیازها هرچند موجب افزایش نرخ بهره‌مندی شهروندان به‌ویژه در مناطق محروم‌تر می‌شد، اما درعین حال منابع محدود موجود به‌سبب تأمین این نیازها مستقل از کارایی آنها می‌شد. براساس داده‌های تجربی مندرج در این

جدول، تنها ۸/۴۹ درصد از کنش راهبردی معطوف به سرمایه‌گذاری و حدود ۲۴ درصد ناظر به برقراری عدالت توزیعی بوده است. به این ترتیب بیش از $\frac{3}{4}$ کنش راهبردی نمایندگان معطوف به توزیع امکانات، فرصت‌ها و ثروت بوده است؛ به گونه‌ای که بیش از ۷۰ درصد کنش راهبردی نمایندگان ناظر به توزیع ثروت موجود در مقیاس ملی و منطقه‌ای و ۱/۷۷ درصد نیز ناظر به استخراج درآمدهای دولت بود.

جدول شماره (۴) گویای فراوانی کنش راهبردی نمایندگان در دوره سوم پژوهش است.

جدول شماره (۴). داده‌های تجربی تجمیعی کنش راهبردی نمایندگان مجلس شورای اسلامی در دوره سوم پژوهش

جمع		۸۳		۸۲		۸۱		۸۰		۷۹		گویه‌ها
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳,۰۹	۹۱	۱,۴۳	۱۳	۳,۲۵	۲۳	۳,۷۹	۱۲	۴,۴۸	۱۹	۲,۶۵	۲۴	جمع عملکرد جامعه
۱۸,۲۰	۵۳۶	۱۳,۸۶	۱۲۶	۱۳,۴۲	۹۵	۲۰,۱۹	۶۴	۱۷,۴۵	۷۴	۱۹,۵۸	۱۷۷	جمع عملکرد تنظیمی
۰,۶۸	۲۰	۰,۴۴	۴	۰,۷۱	۵	۰,۳۲	۱	۰,۴۷	۲	۰,۸۸	۸	جمع عملکرد نمادین
۱,۷۷	۵۲	۱,۱۰	۱۰	۲,۱۲	۱۵	۰,۳۲	۱	۰,۹۴	۴	۲,۴۳	۲۲	عملکرد استخراجی
۵۳,۹۶	۱۵۸۹	۵۵,۲۳	۵۰۲	۴۸,۴۵	۳۴۳	۴۶,۶۹	۱۴۸	۵۱,۸۹	۲۲۰	۴۱,۵۹	۳۷۶	جمع عملکرد توزیعی منطقه‌ای
۲۳,۹۴	۷۰۵	۲۰,۷۹	۱۸۹	۱۹,۶۳	۱۳۹	۲۲,۷۱	۷۲	۲۳,۳۵	۹۹	۲۲,۷۹	۲۰۶	جمع عملکرد توزیعی
۸,۴۹	۲۵۰	۷,۱۵	۶۵	۱۲,۴۳	۸۸	۵,۹۹	۱۹	۱,۴۲	۶	۱۰,۰۷	۹۱	توزیعی ملی
۲۹,۹۸	۸۸۳	۲۷,۹۴	۲۵۴	۳۲,۰۶	۲۲۷	۲۸,۷۱	۹۱	۲۴,۷۶	۱۰۵	۳۲,۸۵	۲۹۷	جمع عملکرد توزیعی ملی
۷۸,۹۱	۲۳۲۴	۸۳,۱۷	۷۵۶	۸۰,۵۱	۵۷۰	۷۵,۳۹	۲۳۹	۷۶,۶۵	۳۲۵	۷۴,۴۵	۶۷۳	جمع عملکرد توزیعی
۹۷,۳۲	۲۸۶۶	۹۸,۵۷	۸۹۶	۹۶,۷۵	۶۸۵	۹۶,۲۱	۳۰۵	۹۵,۵۲	۴۰۵	۹۷,۳۵	۸۸۰	جمع عملکرد دولت
۱۰۰,۰۰	۲۹۴۵	۱۰۰,۰۰	۹۰۹	۱۰۰,۰۰	۷۰۸	۱۰۰,۰۰	۳۱۷	۱۰۰,۰۰	۴۲۴	۱۰۰,۰۰	۹۰۴	جمع کل

درصد فراوانی بر مبنای نسبت فراوانی گویه به جمع کل گویه‌های کنش راهبردی نمایندگان در هر سال محاسبه شده است.

این جدول نشان می‌دهد که نمایندگان دوره چهارم و پنجم مجلس شورای اسلامی در دوره برنامه سوم توسعه، تأکید تام بر نقش دولت داشتند و از همین رو در کنش‌های راهبردی خود سهمی کمتر از ۴ درصد به جامعه اختصاص دادند. شواهد تجربی دلالت بر آن دارد که در دوره یادشده، توزیع منابع، امکانات و فرصت‌ها با تأکید بر نگاه منطقه‌گرایانه در کانون توجه نمایندگان قرار داشت. در این دوره نیز کنش راهبردی معطوف به رضایت زودهنگام انتخاب‌کنندگان وجود داشته است.

۴-۱-۲. سیاست تأمین رضایت زودهنگام انتخاب‌کنندگان

الف- دوره برنامه اول توسعه: رویکرد اصلی حاکم بر برنامه اول توسعه، رویکرد معطوف به تخصیص منابع بود. در این رویکرد، کارکرد سند برنامه مانند سند بودجه، دادن اجازه از سوی قانون‌گذار به دولت برای کسب منابع و هزینه کردن آن است، از نظر شکل حقوقی نیز ساختار سند برنامه همانند سند بودجه، مرکب از یک ماده واحده و چندین تبصره است. به این ترتیب تفاوت اصلی این دو سند نیز در افق زمانی طولانی‌تر برنامه نسبت به بودجه است. چنین رویکردی در برنامه‌ریزی موجب می‌شود دستگاه‌های اجرایی بیش از آنکه به عارضه‌یابی درونی و ارتقای کارایی و اثربخشی خود بپردازند، درگیر رقابت منفی برای نمایش وضعیت نابسامان و استحقاق دریافت بیشتر منابع می‌شوند؛ از این رو، وجه توزیعی برنامه بر وجه تولیدی آن چیره می‌شود (نیلی، ۱۳۸۴). در این رویکرد، ماده واحده و تبصره‌ها به مهم‌ترین بخش برنامه تبدیل می‌شوند. اعمال نظر مجلس نیز در برنامه عمدتاً در قالب تغییرات در تبصره‌ها خودنمایی می‌کند.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی، تعداد ۴۴ تبصره پیشنهادی دولت را به ۵۲ تبصره تغییر دادند. از این میان، ۱۹ مورد عیناً پیشنهاد دولت است؛ ۱۶ مورد از پیشنهاد‌های دولت در مجلس حذف شد؛ ۲۰ تبصره به لایحه دولت افزوده شد و در ۹ مورد نیز پیشنهاد دولت با تغییرات به تصویب رسید. از میان ۹ تبصره اخیر، ۲ مورد در حد تغییرات عبارتی، ویرایشی یا سازوکار اجرایی بود و در ۷ مورد، تغییرات تبصره‌ها، تغییر مؤثر در برنامه بود.

نمایندگان مجلس در ماده واحده برنامه، سقف اعتبارات عمرانی و جاری

برنامه را ۱۰/۶۶ درصد افزایش دادند. همچنین سقف اجازه استفاده از اعتبارات بانکی برای تأمین اعتبارات عمومی با ۹/۹۵ درصد افزایش، به مبلغ ۷۳۹۳ میلیارد ریال رسید. بند «د» تبصره ۱۰ لایحه دولت که بر ممنوعیت افزایش کلی سقف اعتبارات عمرانی برنامه تصریح داشت، با رأی نمایندگان حذف شد. از میان ۱۶ تبصره حذف شده، دست کم ۸ مورد به طور مستقیم ناظر به جهت گیری های توسعه گرایانه برنامه مطابق با راهبرد آزادسازی اقتصادی بود. نمایندگان مجلس سوم، تبصره ۱۸ لایحه پیشنهادی دولت را که متضمن اعطای اجازه به دولت برای واگذاری مؤسسات و مراکز فرهنگی، هنری، سیاحتی و آموزشی فرسوده یا غیرمقرون به صرفه و اختصاص معادل درآمد آن برای نوسازی و توسعه امور مشابه بود، حذف کردند. همچنین براساس تبصره ۱۹ و ۲۰ لایحه پیشنهادی دولت مقرر بود در گام نخست خصوصی سازی، صنایع مادر و بزرگ احصا و حداکثر $\frac{1}{3}$ سهام این بنگاه ها به بخش عمومی غیردولتی واگذار شود. همچنین دولت اجازه یافت که تمام یا قسمتی از سهام خود را در شرکت های صنعتی و بازرگانی (غیر از صنایع مادر و بزرگ) به بخش عمومی یا خصوصی تعاونی بفروشد و معادل درآمدهای حاصل را در امور نوسازی، توسعه و سرمایه گذاری جدید صنعتی هزینه کند. نمایندگان مجلس این دو تبصره مهم را حذف کردند. از دیگر موارد حذف شده لایحه در فرایند تصمیم گیری نمایندگان می توان به الزام دولت برای تشکیل مرکز توسعه تکنولوژی صنعتی و حمایت از فعالیت های تحقیق و توسعه در حوزه فناوری صنعتی و معدنی (تبصره های ۲۱ و ۲۲)، الزام دولت به تجدیدنظر در قانون معادن به منظور جلب مشارکت بیشتر معدن کاران غیردولتی (تبصره ۲۴)، الزام دولت به تجدیدنظر در قانون کار با هدف توجه بیشتر به حمایت از تولید در کنار صیانت از نیروی کار (تبصره ۲۶)، بازننگری در اساس نامه و فعالیت مرکز توسعه صادرات، تجدید سازمان صندوق ضمانت صادرات به منظور تحرک بیشتر صادرات و تبصره های ۲۹، ۳۰ و ۳۱ حذف معافیت ها و انحصارات دولتی در مورد بررسی قیمت کالاهای مصرفی نهایی

وارداتی (تبصره ۳۴) ممنوعیت استخدام نیروی زیر دیپلم در دستگاه‌های دولتی (تبصره ۳۹) اشاره کرد. به این ترتیب از میان ۱۶ تبصره حذف شده به جز ۳ مورد، همگی ناظر به جهت‌گیری‌های توسعه‌گرایانه برنامه بوده است.

از تبصره‌های افزوده شده برنامه اول توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی، تبصره‌های ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۲۱، ۵۰ و ۵۱ ماهیت ایجاد درآمد جدید برای دستگاه خاص به ترتیب سازمان حفاظت از محیط زیست، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، قوه قضائیه، وزارت کشاورزی، شهرداری‌ها و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - داشته و تصویب آنها عمدتاً مرهون رایزنی‌های دستگاه‌ها و نگاه بخشی کمیسیون‌های تخصصی مجلس است. تبصره ۴۹ نیز متضمن تکلیف دولت برای افزایش سرمایه بانک کشاورزی است که آن هم از حیث ماهیت در دسته تبصره‌های حمایتی دستگاه‌ها قابل طبقه‌بندی است.

تبصره‌های ۳۰، ۳۷ و ۳۸ ناظر به تشکیل شورای عالی الگوی مصرف، تعیین تکلیف چگونگی تعیین شبکه‌های مجاز توزیع کالا است که اساساً با راهبرد آزادسازی اقتصادی برنامه در تعارض است. تبصره‌های ۴۱ و ۴۲ قانون برنامه اول توسعه نیز که توسط نمایندگان مجلس سوم به لایحه افزوده شد، در بردارنده مداخله‌ای تعرفه‌ای و ارزی برای حمایت از تولیدات داخل است که همچنان با راهبرد اصلی برنامه در تعارض است.

تبصره ۵۲ قانون برنامه اول توسعه که توسط مجلس شورای اسلامی به لایحه افزوده شد، متضمن ممنوعیت صدور هرگونه موافقت اصولی و نیز سرمایه‌گذاری دولتی، صنعتی، کشاورزی و دامی برای مراکز استان‌های برخوردار است که بدون توجه به مزیت‌های نسبی صرفاً با نگاه توزیعی در پراکندگی صنایع و بنگاه‌ها تصویب شده است. چنین روندی در تبصره‌های تغییر یافته نیز قابل مشاهده است. در حالی که تبصره ۱۱ لایحه پیشنهادی دولت متضمن تکلیف دولت بر تهیه برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی استان‌ها با خط‌مشی آمایش سرزمینی و منوط شدن هرگونه سرمایه‌گذاری جدید به انجام این تکلیف بود، مجلس در تبصره ۶ قانون برنامه این مضمون را به تکلیف دولت به «احیا و توسعه بخش‌های محروم و ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای» تبدیل کرد. اقدامات مدنظر تبصره ۶ قانون برنامه اول مانند بند

الف و جزء ۳ بند ح، بیش از آنکه بر یک نگاه جامع استوار باشد، برآمده از ارزیابی اولیه و بدون توجه به مزیت‌ها و محدودیت‌های مناطق مختلف است؛ حال آنکه مفهوم آمایش سرزمینی مدنظر دولت، تمام این موارد را با لحاظ مزیت‌ها و محدودیت‌های مناطق مورد توجه قرار می‌داد.

تبصره ۳۶ و ۴ قانون برنامه اول توسعه بر ضعف راهبرد آزادسازی اقتصادی بدون توجه به مزیت‌های نسبی، بخش کشاورزی و آب و جهاد سازندگی را نسبت به سایر بخش‌ها اولویت می‌دهد. نمایندگان مجلس با افزودن ۶ بند به تبصره ۲۹، مجوز ایجاد سقف تعهد ارزی جدید معادل حداقل ۱۸/۴ میلیارد دلار برای تکمیل و احداث طرح‌های بزرگی چون ۷ واحد کشت و صنعت نیشکر (با تأکید بر دستیابی به خودکفایی در تولید شکر)، سدهای کارون ۳ و ۴، کرخه و گاومیشان، سرمایه‌گذاری در میادین گازی پارس و پارس جنوبی و پتروشیمی صادر کردند (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۸ الف) ۱۳۶۸ ب). تصویب این طرح‌ها، بدون مطالعه همه‌جانبه کارشناسی در سازمان برنامه و بودجه و صرفاً براساس نگاه بخشی کمیسیون تخصصی و وزارتخانه اجرایی در مجلس رقم خورد (نوربخش، ۱۳۸۵: ۱۱۴).

تغییرات اعمال‌شده توسط نمایندگان دوره سوم مجلس شورای اسلامی در لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور دربردارنده افزایش منابع و سقف تعهدات ارزی، حمایت غیررقابتی از تولید داخل، حمایت از کارگران، حمایت از اقشار فاقد دانش و مهارت کافی، مداخله دولت در توزیع و مصرف کالاها، سرمایه‌گذاری دولت در برخی پروژه‌های مهم زیربنایی و تولیدی، رویکرد توزیعی در پراکنش بنگاه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های عمومی است. درحالی‌که جهت‌گیری لایحه پیشنهادی دولت، عمدتاً به‌سوی الگوی نئوکلاسیک توسعه اقتصادی و راهبرد آزادسازی اقتصادی بود، تغییرات اعمال‌شده در مجلس بیشتر رنگ‌وبوی حمایت‌گرایانه و کنترلی داشت. در این دوره معرف‌های سه‌گانه این مفهوم موجود بودند.

ب- دوره برنامه دوم توسعه: در برنامه دوم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۸-۱۳۷۴) مجلس شورای اسلامی در مرحله

تصویب نهایی، تغییراتی بسیار گسترده و وسیع در این برنامه اعمال کرد؛ به گونه‌ای که مصوبه نهایی فاقد هماهنگی و ارتباط منطقی بین اجزاء بود. مجلس شورای اسلامی پس از تقدیم لایحه برنامه دوم توسط هیئت دولت استدلال کرد که تصویب برنامه مستلزم ارزیابی دقیق عملکرد برنامه اول و بررسی بیشتر برنامه دوم با توجه به تجارب گذشته است و لذا با یک سال تعویق، دوره برنامه به سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۷۴ تغییر یافت، اما پس از آن عملاً مجلس به دبیرخانه تدوین مجدد برنامه تبدیل شد و قانون برنامه دوم را با ۱۶ هدف کلی و خط‌مشی‌های آن، ماده واحده و ۱۰۱ تبصره قانونی و نیز برخی جداول اعتبارات در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۷۳ به تصویب رساند.

برنامه دوم نیز مانند برنامه اول در چارچوب رویکرد سستی تدوین شده بود. از این رو، آنچه توسط مجلس مورد بررسی قرار گرفت، عمدتاً ماده واحده و تبصره‌های برنامه بود. ۷ مورد از تغییرات و افزوده‌های مجلس در لایحه پیشنهادی دولت، دربردارنده کاهش منابع برنامه (ماده واحده)^(۱۶)، اجازه سرمایه‌گذاری خارجی (بند ه تبصره ۲۲)، اجازه عملیات بیع متقابل (بند و تبصره ۲۲)، تشکیل شورایی صادرات غیرنفتی و پیش‌بینی اقدامات برای حمایت از صادرات غیرنفتی (تبصره ۲۵) تصریح بخش خصوصی و تعاونی به جای بخش غیردولتی (تبصره ۴۱)، ایجاد نظام اطلاع‌رسانی تجاری (تبصره ۲۶)، اصلاح و بهسازی نظام اداری و ساختار دستگاه‌های اجرایی (تبصره‌های ۳۲ و ۳۳) بود که مؤید توسعه محسوب می‌شوند.

۲۴ مورد از تغییرات یا افزوده‌های مجلس، متضمن مواردی چون اصلاح عبارتی یا حقوقی (مانند تبصره‌های ۱۸، ۲۸، ۴۴، ۸۶) بود، که تغییر غیرمؤثر در محتوای برنامه قلمداد می‌شود. ۳۱ مورد از تغییرات یا تبصره‌های افزوده‌شده توسط مجلس، دربردارنده مواردی چون ذکر مصادیق و تفصیل اقدامات اجرایی (۸ مورد شامل تبصره‌های ۲۱، بندهای الف، و ط تبصره ۲۲، ۵۷، ۳۹، ۵۸، ۶۰)، تأکید بر مفاد قوانین موجود (۵ مورد تبصره ۴، ۳۸، ۵۵، ۷۴، ۹۸) و تحدید حدود اختیارات قوه مجریه (۱۸ مورد از جمله بند ح تبصره^(۱۷) ۱۹، تبصره ۶۴، بند ح تبصره ۲۲) بود. این تغییرات هرچند تأثیر حقوقی جدی بر برنامه نداشت، اما جهت‌گیری محتوایی مورد تأکید نمایندگان را نشان می‌دهد. جهت‌گیری نمایندگان مجلس در این موارد عمدتاً

حمایتی یا کنترلی است که نمایندگان در سایر تبصره‌ها ضمانت‌های اجرایی لازم را برای آنها پیش‌بینی کرده بودند.

۴۸ مورد از تغییرات و افزوده‌های مجلس در لایحه برنامه دوم توسعه، تغییر جدی در جهت‌گیری برنامه ایجاد می‌کرد. نمایندگان مجلس در ۸ مورد (بندهای ۱، ۲۱، ۲۷، ۷۳، ۷۵) ضمن اولویت دادن به بخش کشاورزی، با تصویب حمایت‌های تعرفه‌ای از محصولات کشاورزی، به تداوم پرداخت یارانه به بخش کشاورزی، افزایش قیمت خرید محصولات کشاورزی، حفظ کاربری ارضی کشاورزی، تشکیل شورایی عالی کشاورزی، برقراری تسهیلات تکلیفی و اولویت در پرداخت اعتبارات بخش و نیز نیل به خودکفایی در محصولات غذایی و دامی رأی دادند. این تغییرات، جهت‌گیری حمایت از تولید داخلی و راهبرد جایگزینی واردات را دنبال می‌کرد.

نمایندگان مجلس در تبصره ۱۶ قانون برنامه دوم توسعه، سیاست تداوم پرداخت یارانه را جایگزین سیاست حذف تدریجی پرداخت یارانه (موضوع تبصره ۴ لایحه پیشنهادی دولت) کردند. در تبصره ۱۹ قانون برنامه دوم توسعه، نمایندگان شتاب پیشنهادی دولت را برای افزایش قیمت حامل‌های انرژی و برق و آب کاهش دادند. همچنین در تبصره‌های ۲۰ و ۲۷ به ترتیب پرداخت یارانه آب شرب و نهاده‌های کشاورزی را مورد تأکید قرار دادند. نمایندگان همچنین با حذف تبصره ۱۹ پیشنهادی دولت، با حذف یارانه شرکت‌های هواپیمایی در طول برنامه مخالفت کردند. حذف تبصره ۲۰ پیشنهادی دولت در مجلس نیز به معنای مخالفت نمایندگان با افزایش تعرفه‌های پست و مخابرات بود. نمایندگان مجلس همچنین با حذف تبصره ۲۶ لایحه پیشنهادی دولت، مخالفت خود را با اخذ هزینه دروس مردودی از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی ابراز داشتند. به این ترتیب کلیه موارد ناظر به واقعی کردن قیمت‌ها از برنامه دوم توسعه حذف شد.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی به ترتیب در تبصره‌های ۴۲ و ۵۰ قانون برنامه، حمایت از ایثارگران و بسیجیان در واگذاری زمین‌های کشاورزی و تأمین معیشت نیروهای مسلح را مورد تأکید قرار دادند.

تبصره ۱۳ پیشنهاد دولت متضمن ضوابطی برای تسهیل واگذاری واحدهای

دولتی بود، که توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی حذف شد.

نمایندگان دوره چهارم مجلس، در تبصره ۱۱ قانون برنامه، برنامه حمایتی دولت در مورد مناطق محروم را محدود به روستاهای محروم کردند؛ در بند ۱ این تبصره، اجازه آغاز طرح‌های عمرانی، جایگزین پیشنهاد دولت شد که صرفاً ادامه طرح‌های عمرانی برنامه اول را مجاز می‌شمرد. به این ترتیب نمایندگان، شرایطی را فراهم کردند که طی برنامه دوم حجم عظیمی از پروژه‌های عمرانی در مقیاس روستایی آغاز شود؛ پروژه‌هایی که معمولاً به دلیل کمبود منابع، مدت‌ها بیش از زمان مقرر صرف تکمیل و بهره‌برداری از آنها می‌شد.

مفاد تبصره‌های ۴۷، ۵۲ و ۵۳ متضمن سیاست‌های حمایتی مالی و غیرمالی مجلس از برخی دستگاه‌ها به ترتیب شامل بسیج، سازمان قضایی نیروهای مسلح و قوه قضائیه بود. نمایندگان در تبصره ۵۶ قانون برنامه دوم توسعه حمایت‌های مالی گسترده از صداوسیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان میراث فرهنگی، سازمان تبلیغات اسلامی و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) را تصویب کردند. تبصره ۵۹ نیز اخذ عوارض به نفع سازمان صداوسیما را قانونی کرد. در همین راستا بند ب تبصره ۶۰ نیز حمایت از صداوسیما را مورد تأکید قرار داد. تبصره‌های ۶۷ و ۶۸ قانون برنامه دوم نیز، به ترتیب ناظر بر اختصاص عوارض به نفع تربیت بدنی و تأمین اراضی مورد نیاز تربیت بدنی بود. مفاد تبصره ۷۰ قانون برنامه دوم توسعه، متضمن دو بند و چهار جزء در حمایت از وزارت اطلاعات بود. مضمون تبصره ۹۲ نیز حمایت از آموزش عالی غیردولتی بود که البته در سال ۱۳۷۳ (زمان بررسی و تصویب قانون برنامه دوم توسعه) دانشگاه آزاد اسلامی تنها مصداق آموزش عالی غیردولتی بود (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۳؛ ۱۳۷۴).

در مقام جمع‌بندی باید گفت که نمایندگان دوره چهارم مجلس شورای اسلامی اولاً در بررسی لایحه برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، عملاً گام در مسیر تدوین دوباره برنامه نهادند. ثانیاً بسیاری از تغییرات اعمالی آنها دربردارنده افزایش گستره مصرف اعتبارات عمرانی مناطق محروم، حمایت از کشاورزی، راهبرد جایگزینی واردات، حمایت از گروه‌های محروم و اقشار اجتماعی خاص و برخی دستگاه‌های حکومتی، تداوم برقراری یارانه و مداخله در

اختیارات مدیریتی دولت بود. به این ترتیب هرچند معرف نخست مفهوم سیاست تأمین رضایت زود هنگام انتخاب کنندگان در این دوره وجود نداشت^(۱۸)، اما معرف دوم آن، یعنی افزایش مصارف برنامه و معرف سوم آن یعنی جهت‌گیری حمایت‌گرایانه و توزیعی تغییرات اعمالی مجلس در این دوره حاضر بود.

ج - دوره برنامه سوم توسعه: تجربه دو برنامه پیشین و رویارویی دولت مردان با برخی مشکلات ساختاری اقتصاد ایران که موجب تغییر در الگوی برنامه‌ریزی میان مدت در ایران شد، مدیران سازمان برنامه و بودجه وقت را بر آن داشت تا پیش از تقدیم رسمی لایحه به مجلس، با رئیس و برخی نمایندگان مؤثر دوره پنجم مجلس شورای اسلامی در مورد محتوای پیشنهادی برنامه سوم رایزنی کنند (نجفی، ۱۳۹۱: ۱۲۱). در جریان بررسی برنامه سوم در مجلس، ۵۵ ماده از ۲۰۰ ماده پیشنهادی دولت بدون تغییر در مجلس تصویب شد. در ۱۵ ماده نیز صرفاً تغییرات ویرایشی و در ۲۳ ماده نیز اصلاحات حقوقی اعمال شد. ۱۶ مورد از تغییرات نیز ناظر به اصلاح ترکیب اعضا یا روش اجرایی مواد برنامه بود که تقریباً در جهت‌گیری‌های برنامه تأثیر جدی نداشت. در جریان بررسی برنامه در مجلس، برخی جهت‌گیری‌های مهم لایحه برنامه سوم در مجلس حفظ شد.

۵ مورد از مواد الحاقی مجلس شورای اسلامی به لایحه برنامه سوم، شامل مواردی بود که به نوبه خود تأییدکننده جهت‌گیری برنامه بود. نمایندگان مجلس با الحاق تبصره ۴ به ماده ۴، به محدود کردن زمینه فعالیت شرکت‌های دولتی رأی دادند که موافق جهت‌گیری برنامه در کوچک‌سازی دولت و تنظیم انحصارها بود. همچنین با الحاق بند ز به این ماده، دولت موظف به بازنگری در مقررات روابط کار در مدت شش ماه شد. نمایندگان مجلس با الحاق دو بند به ماده ۳۶ برنامه، دولت را مکلف به تهیه لایحه لغو انحصار و پرهیز از هرگونه تبعیض بین بخش دولتی و بخش غیردولتی شامل بخش تعاونی و خصوصی در انجام معاملات بخش عمومی و دولتی کردند. این امر زمینه‌ساز توسعه رقابت و برقراری فرصت‌ها و شرایط برابر برای هر سه بخش فعال اقتصاد کشور بود. در بند الحاقی جدید به ماده ۹۰، به دولت اجازه داده شد حداکثر ۴۹ درصد سهام بانک‌ها را به عموم مردم با اولویت کارکنان بانک‌ها و ایثارگران واگذار کند. همچنین با الحاق ماده ۹۸ به لایحه، مجلس

اجازه فعالیت بانک‌های غیردولتی را صادر کرد. همچنین در بند «ج» الحاقی به ماده ۱۱۵، دولت موظف شد، تسهیلات لازم برای حضور فعال شرکت‌ها و مؤسسات فنی و مهندسی ایرانی را در بازارهای جهانی فراهم و بر آن نظارت کند. با الحاق ماده ۲ به فصل اصلاح ساختار اداری و مدیریت، دولت ملکف شد به منظور کاهش تصدی‌ها و تقویت اعمال حاکمیت و نظارت دولت، برای اصلاح تشکیلات کلان دولت اقدام کند. با اصلاح ماده ۳۴ لایحه پیشنهادی دولت، امکان فعالیت بخش غیردولتی در عملیات اکتشاف و استخراج نفت (علاوه بر عملیات پایین دستی نفت) فراهم شد. در ماده ۶۹ الحاقی به فصل نظام مالیاتی و بودجه، دولت مکلف شد لایحه بودجه سالانه را به نحوی تنظیم کند که کسری احتمالی از طریق استقراض از بانک مرکزی و سیستم بانکی کشور تأمین نشود. از افزوده‌های مجلس به لایحه دولت در راستای جهت‌گیری برنامه بند «د» ماده ۱۱۸ بود که به موجب آن دولت مکلف به اصلاح ساختار شرکت‌های دولتی وابسته به وزارت نفت و وزارت نیرو شد.

در ۱۷ مورد، تغییرات اعمالی مجلس در تقابل با جهت‌گیری لایحه بود. به منظور شفاف کردن عملیات اقتصادی شرکت‌های دولتی، پیشنهاد دولت در ماده ۵ حاوی این نکته بود که چنانچه بر اثر تکلیف دولت هریک از شرکت‌های دولتی، کالا و خدمات خود را کمتر از قیمت تعیین شده براساس ضوابط تعیین شده، بفروشد مابه‌التفاوت آن تا قیمت تعیین شده از سوی دولت پرداخت خواهد شد. در فرایند بررسی این ماده در مجلس شورای اسلامی، محدودیتی به آن افزوده شد مبنی بر اینکه افزایش قیمت کالاها و خدمات توسط دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی سالیانه بیش از ۱۰ درصد مجاز نیست. نمایندگان مجلس پنجم در ماده ۱۰ برنامه با هدف حمایت از ایثارگران، اولویت واگذاری شرکت‌های دولتی را به آنها دادند. اعطای امتیاز و تسهیلات به ایثارگران در مواد ۱۳۱، بند «ج» ماده ۱۳۷ و بند ۲ ماده ۱۵۵ نیز مورد توجه قرار گرفت. همچنین نمایندگان در ماده ۳۸ برنامه، بیمه بیکاری را به مجموع خدمات بیمه همگانی افزودند. نمایندگان دوره پنجم مجلس با حذف بند «ب» ماده ۴۰ لایحه، با افزایش سن بازنشستگی مخالفت کردند. دولت در ماده ۴۷ لایحه برنامه سوم، پیشنهاد کرده بود که پس از شناسایی خانوارهای کم‌درآمد و با

درآمد متوسط، با حذف یارانه از خانوارهای با درآمد بالا و حفظ سهم یارانه خانوارهای با درآمد متوسط، سهم یارانه خانوارهای کم درآمد را افزایش دهد. نمایندگان با حذف این سیاست، به حفظ روش و میزان پرداخت یارانه در برنامه دوم، در طول برنامه سوم رأی دادند. در ماده ۴۸ لایحه پیشنهادی دولت مقرر شده بود که یارانه نهاده کشاورزی به تدریج حذف شود و با افزایش قیمت تضمینی محصولات اساسی کشاورزی که با استفاده از منابعی که به دلیل عدم اعطای یارانه حاصل می شود، برای خرید محصولات اساسی اقدام شد. با اصلاحی که به تصویب مجلس رسید، مقرر شد، دولت همچنان یارانه نهاده های کشاورزی را پرداخت کند و همزمان قیمت تضمینی محصولات اساسی کشاورزی را افزایش دهد؛ به نحوی که قیمت داخلی با هزینه خرید از خارج محصولات مذکور برابری کند. این امر برخلاف سیاست رقابتی کردن فعالیت های اقتصادی برنامه بود. دولت در ماده ۱۰۳ لایحه پیشنهاد کرده بود که به منظور اصلاح الگوی مصرف آب و استفاده بهینه از منابع آبی کشور تحویل آب به صورت حجمی و قیمت گذاری آن براساس الگوی مصرف بهینه باشد. این پیشنهاد با مخالفت مجلس روبه رو شد و دولت مکلف شد برای تدوین نظام بهره برداری و ایجاد تشکلهای بهره برداری آب و خاک اقدام کند و آب مصرفی آنها را براساس قانون تثبیت نرخ آب بهای زراعی، قیمت گذاری کند. دولت در ماده ۵۱ لایحه پیشنهاد کرده بود به منظور ایجاد اشتغال، قسمتی از سود تسهیلات اعطایی به سرمایه گذاران بخش خصوصی و تعاونی ها در مناطق کمتر توسعه یافته، تعاونی های خدمات تولیدکنندگان، تعاونی های تولید روستایی، عشایری و بهره برداری از منابع طبیعی و طرح های خوداشتغالی را پرداخت کند. نمایندگان مجلس علاوه بر این سیاست، مقرر کردند که معافیت های مالیاتی و معافیت حقوق و عوارض دولتی برای سرمایه گذارانی که در این مناطق اقدام به سرمایه گذاری می کنند برقرار شود. در بند ۳ این ماده همچنین مقرر شد که تسهیلات اعطایی در قالب بودجه های سنواتی و آیین نامه های اجرایی آنها به نحوی تقسیم شود که سهم مناطق کمتر توسعه یافته به نسبت شاخص بیکاری آنها بیشتر باشد. افزوده های مجلس به این ماده در راستای سیاست اشتغال زایی بدون توجه به مزیت نسبی مناطق و بازدهی اقتصادی سرمایه گذاری بود.

نمایندگان مجلس با الحاق بند «ج» به ماده ۲۰، بند «ص» به ماده ۶۹ و بند «ب» به ماده ۱۷۳ به ترتیب اختصاص ۲ درصد از درآمدهای ناشی از فروش سهام شرکت‌ها، فروش دارایی‌ها، اجاره شرکت‌ها به بسیج، تدوین منابع تقویت و توسعه بسیج استان توسط شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان‌ها و اختصاص یک درصد سود ناخالص داخلی کلیه شرکت‌های دولتی و شرکت‌های تابعه و وابسته به آنها را برای توسعه بسیج تصویب کردند.

با الحاق بند «ه» به ماده ۳ لایحه، نمایندگان مجلس پنجم پرداخت پاداش خدمت معادل یک ماه آخرین حقوق و فوق‌العاده‌ها را به‌ازای سنوات خدمت هریک از کارکنان دولت که بازنشسته می‌شوند، تصویب کردند. براساس بند «ز» نیز مجموع دریافتی کارکنان دولت باید در هر سال متناسب با نرخ تورم افزایش می‌یافت.

در تبصره الحاقی به ماده ۷۳، دولت مکلف شد در سال اول برنامه ۲۶ درصد کل اعتبارات عمرانی را به استان‌ها اختصاص دهد و طی سال‌های برنامه، سالیانه ۶ درصد به اعتبارات عمرانی استان‌ها بیافزاید؛ به‌نحوی که در سال پایانی برنامه، ۵۰ درصد اعتبارات عمرانی به استان‌ها اختصاص یابد. افزایش سریع سهم اعتبارات عمرانی استان‌ها به‌منزله توجه به پروژه‌های استانی است که در ماهیت کوچک و بیشتر در راستای ارائه خدمات اجتماعی هستند. این امر به‌معنای کاهش منابع برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های ملی بود که عموماً زیربنایی هستند. بند «ج» الحاقی مجلس به ماده ۱۳۵ مقرر کرد دولت هر ساله اعتبارات خاصی را در لوایح بودجه به‌نحوی پیش‌بینی کند که تا پایان برنامه کلیه روستاهای بالای بیست خانوار از راه مناسب، مدرسه، آب شرب بهداشتی، برق و تلفن برخوردار باشند (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸؛ ۱۳۷۹).

با توجه به تغییرات انجام‌شده در ساختار برنامه سوم و خروج آن از الگوی بودجه‌ای، معرف‌های افزایش منابع و مصارف برنامه در این دوره سالبه به‌انتفاء موضوع است. در مورد معرف سوم با توجه به شواهد تجربی بالا می‌توان گفت به‌رغم اینکه برخی تغییرات اعمال‌شده در برنامه سوم هم‌راستا با جهت‌گیری آزادسازی اقتصادی بود، اما کماکان در موارد مهمی مانند حفظ یارانه‌ها،

توجه به پروژه‌های عمرانی خدماتی، تقویت معیشت کارکنان دولت و ایشارگران و نیز حمایت از برخی دستگاه‌ها، جهت‌گیری حمایتی نمایندگان قابل مشاهده است. البته باید به این نکته اشاره کرد که در مقام مقایسه با دو برنامه پیشین از شدت این معرف نیز کاسته شده است.

۵-۱-۲. توسعه اقتصاد ملی

در دوره اول، هرچند اقتصاد ایران رشد ۸ درصدی را تجربه کرد، اما با توجه به جمعیت کشور، تولید ناخالص داخلی سرانه در این دوره با ۴/۳- درصد کاهش نسبت به هشت سال پیش از برنامه که کشور درگیر جنگ بود- از ۱۴۰۰ دلار به ۱۳۳۹ دلار رسید. در دوره مورد بررسی، اقتصاد ملی ایران نسبت به هریک از گروه‌های مورد بررسی در دوره پیش از برنامه ضعیف‌تر شده است. شاخص توسعه اقتصاد ملی ایران در دوره پیش از برنامه ۶۲/۵۳ بود که این شاخص در دوره اول با حدود ۸ واحد کاهش به ۵۴/۶۹ رسید.

در دوره دوم، تولید ناخالص داخلی سرانه ایران به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰، با ۸/۳ درصد افزایش به ۱۴۵۱ دلار رسید. در این دوره، اقتصاد ملی ایران در مقام مقایسه با دوره پیشین نسبت به هریک از گروه‌های کشورهای مهم حوزه چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴، (دارای درآمد متوسط، دارای درآمد متوسط روبه‌بالا و پردرآمد) ضعیف‌تر شد. نسبت تولید ناخالص داخلی سرانه ایران به متوسط تولید سرانه جهان در این دوره افزایشی معادل ۰/۴۳ درصد داشت. از شواهد بالا چنین برمی‌آید که در این دوره کشورهای کم‌درآمد و کشورهای دارای درآمد کمتر از متوسط فقیرتر شدند، به‌گونه‌ای که به‌رغم افزایش نسبی تولید ناخالص داخلی سرانه در سه گروه کشورهای پردرآمد، دارای درآمد متوسط روبه‌بالا و دارای درآمد متوسط، ارزش متوسط تولید سرانه جهان کمتر شده است. این نکته برای پژوهش حاضر به این معنا است که بهبود شاخص نسبت درآمد تولید ناخالص سرانه ایران به متوسط جهانی بیش از آنکه معلول تقویت اقتصاد ایران باشد، مرهون فقر فزاینده کشورهای دارای اقتصاد ملی ضعیف بوده است. شاخص توسعه اقتصاد ملی در این دوره با ۲ واحد کاهش به ۵۲/۷۰ رسید.

در دوره سوم پژوهش، نسبت میانگین تولید ناخالص سرانه ایران نسبت به کشورهای مهم حوزه چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ بیش از ۲ درصد افزایش یافت. همچنین فاصله تولید ناخالص داخلی سرانه ایران با کشورهای پردرآمد نیز اندکی کمتر شد و در همین حال نسبت میانگین تولید ناخالص داخلی سرانه ایران به متوسط جهانی معادل ۱/۷۴ درصد کمتر شد. به‌رغم بهبود این شاخص‌ها، اقتصاد ملی ایران در مقایسه با کشورهای دارای درآمد متوسط معادل ۰/۵۲ درصد و در قیاس با کشورهای هم‌گروه خود از نظر درآمدی - کشورهای دارای درآمد متوسط روبه‌بالا - ۲ درصد ضعیف‌تر شد. در این دوره هرچند عملکرد بهتری در زمینه توسعه اقتصاد ملی مشاهده می‌شود، اما درعین حال آن‌گونه که در نمودار شماره (۵) دیده می‌شود، می‌توان عملکرد این برنامه را عمدتاً در حد حفظ وضع موجود اقتصاد ملی ایران دانست. شاخص توسعه اقتصاد ملی ایران در این دوره به میزان ناچیز ۰/۳ واحد افزایش داشت.

جدول شماره (۵). داده‌های تجربی توسعه اقتصاد ملی

نسبت میانگین تولید ناخالص داخلی سرانه ایران به میانگین جهان	دوره هشت‌ساله پیش از برنامه (درصد)	دوره برنامه اول توسعه (درصد)	دوره برنامه دوم توسعه (درصد)	دوره برنامه سوم توسعه (درصد)	میزان تغییر در کل دوره‌ها (درصد)
میانگین جهان	۳۳/۸۲	۲۹/۲۱	۲۹/۶۴	۳۱/۳۸	-۲/۴۴
کشورهای پردرآمد	۸/۰۰	۶/۴۴	۶/۳۳	۶/۵۷	-۱/۴۳
کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا	۱۰۰/۸۸	۸۷/۷۹	۸۲/۸۲	۸۰/۸۱	-۲۰/۰۷
کشورهای با درآمد متوسط	۱۴۵/۹۴	۱۲۷/۵۱	۱۲۲/۶۴	۱۲۲/۱۲	-۲۳/۸۲
کشورهای مهم حوزه چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴	۲۳/۹۹	۲۲/۵۰	۲۲/۰۶	۲۴/۳۵	۰/۳۶

۲-۲. تحلیل تبیینی

پس از تحلیل توصیفی در سطح درون‌سیستمی، اینک در مرحله تبیینی و برای آزمون فرضیه، راه‌حل نظری مسئله در سطح بین‌سیستمی مورد داوری تجربی قرار می‌گیرد. در این سطح موردها با روش تحلیل روایتی با همدیگر مقایسه می‌شوند. وابستگی درآمدهای دولت ایران به منابع نفت در فاصله سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ بین

۴۲ تا ۷۶/۶ درصد در نوسان بود. نسبت درآمدهای نفتی به کل منابع بودجه در طول برنامه اول، ۵۶/۱، در برنامه دوم ۵۷/۲۳ درصد و در برنامه سوم ۶۰/۶۶ درصد بود. در کل دوره پژوهش نیز ۵۸ درصد از منابع درآمدی دولت را درآمدهای نفتی تشکیل می‌دهد. برقرار بودن شرایط دولت رانتیر در ایران، موجب می‌شود که سیاست‌مداران به‌عنوان تخصیص‌دهندگان آمرانه ارزش‌های اجتماعی-کنش‌های خود را متناسب با این واقعیت مهم تنظیم کنند. از آنجا که سیاست‌مداران و از جمله نمایندگان مجلس همانند دیگر بازیگران، منفعت‌جو هستند، با اطمینان از درآمدهای رانتی نفت، در اداره امور جامعه بیش از آنکه دغدغه استخراج منابع برای دولت داشته باشند، دل‌مشغول هزینه‌کرد منابع عمدتاً نفتی موجود می‌شوند. به دیگر سخن دغدغه نمایندگان مجلس، تلاش حداکثری برای جذب و هزینه‌کرد منابع موجود در راستای تأمین منفعتشان است. منفعت نمایندگان نیز بیش از آنکه وابسته به ویژگی‌ها و اراده منحصربه‌فرد کارگزاران باشد، محصول رابطه ساختار عمل نمایندگان و کارویژه نمایندگی است؛ یعنی بستر کنش نمایندگان، خود راهبردهای خاصی را برای پیگیری منفعت نمایندگان پیشنهاد می‌کند. منفعت نمایندگان مجلس نه تنها نسبت به زمینه کنش ایشان خنثی نیست، بلکه دقیقاً در چارچوب امکانات و محدودیت‌های آن منفعت نمایندگان تعیین می‌یابد. نظام انتخاباتی به‌عنوان واسط میان ترجیحات رأی‌دهندگان و منتخبان، زمینه شکل‌گیری حدود و ثغور منافع نمایندگان را تعیین می‌کند. نظام انتخاباتی اکثریتی در حوزه‌های انتخابیه محلی موجب برقراری تناظر میان منفعت نمایندگان با مطالبات شهروندان می‌شود. از آنجا که شهروندان بدون هیچ واسطه‌ای فرد یا افراد خاصی را به‌عنوان نماینده برمی‌گزینند، منتخب یا منتخبان برای حداکثرسازی امکان انتخاب دوباره، جایگاه سیاست‌گذاری پارلمان را به بیان مطالبات فوری و ملموس انتخاب‌کنندگان و پیگیری آنها تبدیل می‌کنند؛ مطالباتی که عمدتاً معلول سیاست‌گذاری‌های نادرست پیشین هستند؛ از این رو برآورده کردن این مطالبات نیز بیش از آنکه مستلزم توجه به این معلول‌ها باشد، نیازمند توجه به علت‌ها با لحاظ پیچیدگی‌های امر سیاست‌گذاری است. از آنجا که تمام کرسی‌های نمایندگی با این نظام انتخاباتی تخصیص می‌یابد، برآیند سیاست‌های مصوب مجلس نیز در راستای پاسخ به مطالبات فوری شهروندان است. از منظر تئوری این پژوهش، توسعه پیامد سیاست‌های نظام سیاسی است. سیاست‌هایی که منابع و ارزش‌های اجتماعی را به موضوعات دارای ارزش درازمدت و

انباشت سرمایه سوق می دهند، مؤید توسعه اقتصاد ملی و سیاست‌هایی که ارزش‌های اجتماعی را به امور فوری تخصیص می دهند، محل توسعه اقتصاد ملی هستند. شرایط دولت رانتیر و افق کوتاه‌مدت پیگیری منافع، موجب می‌شود نمایندگان که در پی کسب رضایت مردم حوزه انتخابیه در افق چهار سال نمایندگی برای انتخاب دوباره هستند، با اتکا به منابع حاصل از رانت در پی اتخاذ سیاست‌هایی برای کسب رضایت رأی‌دهندگان باشند. اتخاذ این سیاست‌ها نیز موجب تخصیص منابع محدود برای پاسخ‌گویی به مطالبات زود هنگام مانند توسعه محلی مستقل از ایجاد ارزش افزوده برای اقتصاد ملی و آغاز پروژه‌های عمرانی صرف‌نظر از توجیه اقتصادی آنها می‌شود. این وضعیت به معنای سیاست‌گذاری غیرتوسعه‌گرایانه است که نتیجه آن ناگزیر آهنگ کند توسعه اقتصاد ملی است. در دوره پژوهش، نظام انتخاباتی اکثریتی در حوزه‌های انتخابیه محلی مبنای گزینش نمایندگان بوده است. نمایندگان مجلس در هر سه دوره پژوهش توجه بسیار اندکی به عملکرد استخراجی دولت داشتند. درصد فراوانی عملکرد استخراجی دولت در کنش راهبردی نمایندگان در دوره اول ۱/۱۱، در دوره دوم ۱/۰۷ و در دوره سوم ۱/۷۷ بود؛ در حالی که درصد فراوانی عملکرد توزیعی در دوره اول ۷۸/۹۶، در دوره دوم ۷۸ و در دوره سوم ۷۸/۵۷ بود. به این ترتیب شواهد تجربی تأییدکننده این مدعا است که در شرایط دولت رانتیر و برقراری نظام انتخاباتی اکثریتی در حوزه‌های محلی، تلاش برای هزینه منابع، اهمیتی بیش از کسب درآمد دولت دارد. از سوی دیگر شواهد تجربی این مدعا را نیز تأیید می‌کند که در شرایط دولت رانتیر و برقراری نظام انتخاباتی اکثریتی در حوزه‌های محلی، بیان مطالبات فوری انتخاب‌کنندگان در صدر کنش راهبردی نمایندگان است. در دوره اول جمع دو خرده‌مقوله عملکرد توزیعی دولت در مقیاس محلی و عملکرد عدالت توزیعی دولت که گویای مطالبات فوری انتخاب‌کنندگان است، معادل ۷۲/۲۶ درصد کنش راهبردی نمایندگان بود. جمع این دو در دوره دوم نیز معادل ۷۰/۳۹ درصد و در دوره سوم معادل ۷۷/۹ درصد بود. در کل دوره پژوهش نیز جمع این دو خرده‌مقوله معادل ۷۱/۰۹ درصد بود. این به آن معنا است که نمایندگان مجلس در تمام دوره‌ها به میزان تقریباً ثابتی سیاست تأمین رضایت زود هنگام انتخاب‌کنندگان را دنبال کردند.

پیامد کنش راهبردی نمایندگان در قالب سیاست‌های مصوب مجلس خودنمایی می‌کند. انتظار مبتنی بر تئوری در راستای سازگاری جهت‌گیری‌های کنش راهبردی با

سیاست‌های اعمالی مجلس توسط شواهد تجربی تأیید می‌شود. با توجه به شواهد تجربی ارائه شده، سیاست‌های اعمال شده توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی در دوره اول پژوهش، دربردارنده افزایش منابع و سقف تعهدات ارزی، حمایت غیررقابتی از تولید داخل، حمایت از کارگران، حمایت از اقشار فاقد دانش و مهارت کافی، مداخله دولت در توزیع و مصرف کالاها، سرمایه‌گذاری دولت در برخی پروژه‌های مهم زیربنایی و تولیدی، رویکرد توزیعی در پراکنش بنگاه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های عمومی است؛ درحالی‌که جهت‌گیری لایحه پیشنهادی دولت، عمدتاً به‌سوی الگوی نئوکلاسیک توسعه اقتصادی و راهبرد آزادسازی اقتصادی بود، تغییرات اعمال شده در مجلس بیشتر رنگ‌وبوی حمایت‌گرایانه و کترلی داشت. در این دوره معرف‌های سه‌گانه مفهوم سیاست تأمین رضایت فوری انتخاب‌کنندگان، شامل افزایش منابع برنامه، افزایش مصارف برنامه و جهت‌گیری حمایتی تغییرات اعمالی وجود داشتند.

جدول شماره (۶). داده‌های تجربی کنش راهبردی

گویه‌ها		برنامه اول توسعه		برنامه دوم توسعه		برنامه سوم توسعه		جمع	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۳۸	۳/۶۶	۹۸	۳/۶۲	۹۱	۳/۰۹	۳۲۷	۳/۳۶		
۵۷۱	۱۵/۱۳	۴۳۵	۱۶/۰۸	۵۳۶	۱۸/۲۰	۱۵۴	۱۵/۸۳		
۴۳	۱/۱۴	۳۳	۱/۲۲	۲۰	۰/۶۸	۹۶	۰/۹۹		
۴۲	۱/۱۱	۲۹	۱/۰۷	۵۲	۱/۷۷	۱۲۳	۱/۲۶		
۲۰۹۸	۵۵/۵۹	۱۳۳	۴۹/۲۴	۹	۵۳/۹۶	۵۰۱	۵۱/۵۲		
عملکرد توزیعی	جمع عملکرد عدالت توزیعی	۶۲۹	۱۶/۶۷	۵۷۲	۲۱/۱۵	۷۰۵	۲۳/۹۴	۱۹۰	۱۹/۵۷
		۲۵۳	۶/۷۰	۲۰۶	۷/۶۲	۲۶۹	۸/۴۹	۷۲۸	۷/۴۷
		۸۸۲	۲۳/۳۷	۷۷۸	۲۸/۷۶	۹۷۴	۲۹/۹۸	۲۶۳	۲۷/۰۴
۲۹۸۰	۷۸/۹۶	۲۱۱	۷/۸۰	۲۵۶	۷/۸۰	۷۶۵	۷۸/۵۶		
۳۶۳۶	۹۶/۳۴	۲۶۰	۹۶/۳۸	۱	۹۷/۲۱	۹۴۱	۹۶/۶۴		
۳۷۷۴	۱۰۰	۲۷۰	۱۰۰	۲۲۶	۱۰۰	۹۷۴	۱۰۰		

در دوره دوم پژوهش نیز با توجه به اینکه مجلس به‌جای بررسی و تصویب برنامه، گام در مسیر تدوین برنامه نهاد، معرف اول مفهوم حضور نداشت، اما تغییرات

اعمالی نمایندگان عمدتاً در بردارنده افزایش گستره مصرف اعتبارات عمرانی مناطق محروم، حمایت از کشاورزی، راهبرد جایگزینی واردات، حمایت از گروه‌های محروم و اقشار اجتماعی خاص و برخی دستگاه‌های حکومتی، تداوم برقراری یارانه و مداخله در اختیارات مدیریتی دولت بود. به این ترتیب معرف دوم، یعنی افزایش مصارف برنامه و معرف سوم مفهوم، یعنی جهت‌گیری حمایت‌گرایانه و توزیعی تغییرات اعمالی مجلس در این دوره حاضر بودند.

با توجه به تغییرات انجام‌شده در ساختار برنامه سوم و خروج آن از الگوی بودجه‌ای، معرف‌های افزایش منابع و مصارف برنامه در این دوره سالبه به انتفاء موضوع بود. در مورد معرف سوم با توجه به شواهد تجربی بالا می‌توان گفت به‌رغم اینکه برخی تغییرات اعمال‌شده در برنامه سوم هم‌راستا با جهت‌گیری آزادسازی اقتصادی بود، اما کماکان در موارد مهمی مانند حفظ یارانه‌ها، توجه به پروژه‌های عمرانی خدماتی، تقویت معیشت کارکنان دولت و ایثارگران و نیز حمایت از برخی دستگاه‌ها، جهت‌گیری حمایتی نمایندگان قابل مشاهده است. در دوره سوم پژوهش در مقام مقایسه با دو برنامه پیشین، از شدت این معرف نیز کاسته شد. بهبود نسبی شاخص توسعه اقتصاد ملی در دوره سوم و تغییر ساختار برنامه سوم که منجر به حذف شرایط امکان افزایش منابع و مصارف برنامه شد و نیز کاهش شدت معرف سوم مفهوم در مقایسه با دو دوره پیش، نشان می‌دهد که میان سیاست‌های تصویب‌شده در مجلس و توسعه ملی رابطه مستقیم وجود دارد. با توجه به شواهد تجربی، می‌توان گفت نمایندگان مجلس در کل دوره پژوهش، سیاست‌های غیر توسعه‌ای تصویب کردند.

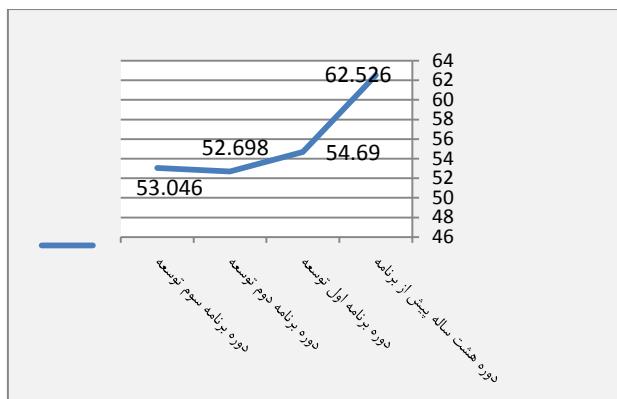
جدول شماره (۷). جدول حضور و غیاب شروط علی و متبیین

دوره سوم	دوره دوم	دوره اول	دوره‌ها
۵۳/۰۵	۵۲/۷۰	۵۴/۶۹	شاخص توسعه اقتصاد ملی
۷۸/۵۷	۷۸	۷۸/۹۶	کنش راهبردی معطوف به تأمین رضایت زودهنگام
حضور	حضور	حضور	دولت رانتیر
حضور	حضور	حضور	افق کوتاه‌مدت پیگیری منافع نمایندگان
حضور	حضور	حضور	سیاست تأمین رضایت زودهنگام

جدول حضور و غیاب نشان می‌دهد که در هر سه دوره همه شروط علی اولیه (دولت رانتیر و افق کوتاه‌مدت تأمین منافع نمایندگان) و شروط علی ثانویه (کنش

راهبردی معطوف به رضایت زودهنگام انتخاب‌کنندگان و سیاست تأمین رضایت زودهنگام انتخاب‌کنندگان) که خود معلول شروط علی اولیه هستند، حاضر بوده‌اند. در هر سه دوره نیز توسعه اقتصاد ملی ایران، وضعیتی کم‌وبیش ثابت داشته است. در طول دوره‌های سه‌گانه تحقیق، تولید ناخالص داخلی سرانه ایران نسبت به کشورهای مهم حوزه چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ بهبود اندکی داشته است و اجرای برنامه‌های توسعه سه‌گانه به حفظ موقعیت دوره ۸ساله پیش از برنامه اول ایران در مقایسه با کشورهای پردرآمد، دارای درآمد متوسط، دارای درآمد متوسط‌روبه‌بالا و میانگین جهانی نیز نیانجامیده است. در تمام دوره پژوهش شاخص توسعه اقتصاد ملی ایران، نسبت به دوره پیش از پژوهش ارتقا نیافت. روند تغییرات شاخص توسعه اقتصاد ملی ایران در نمودار زیر دیده می‌شود.

نمودار شماره (۱). شاخص توسعه اقتصاد ملی ایران



یافته‌های پژوهش حاکی از این است که به‌رغم تفاوت سیاسی ترکیب اکثریت دوره‌های مجلس در طول دوره پژوهش، کنش راهبردی نمایندگان و نیز سیاست‌گذاری آنان در اثر پایداری بستر ساختارمند، همسان بوده است. در تمام دوره‌های پژوهش، بستر ساختارمند عمل کنشگران که در قالب دو بعد نظام انتخاباتی اکثریتی دودوری به‌عنوان افق کوتاه‌مدت پیگیری منافع سیاستمداران منتخب و دولت رانتیر بدون تغییر بوده است؛ از این رو در چارچوب راهبردهای ترجیحی این بستر، کنش راهبردی نمایندگان نیز با هدف تأمین منافع خود برای انتخاب دوباره، معطوف به تأمین رضایت زودهنگام انتخاب‌کنندگان بوده است. نمایندگان مجلس شورای اسلامی به‌عنوان آخرین حلقه

فرایند سیاست‌گذاری- همانند دیگر بازیگران، کنشگرانی منفعت‌جو هستند و ناگزیر کنش‌های خود را با توجه به امکانات و محدودیت‌های بستر ساختارمند به‌نحوی تنظیم می‌کنند که منافعشان را تأمین کند. مشخص‌ترین گونه منفعت‌نمایندگان، انتخاب‌دوباره به‌عنوان نماینده مجلس است. انتخاب‌دوباره نیز در گرو جلب نظر رأی‌دهندگان است. با توجه به اینکه ترجیحات رأی‌دهندگان - که منفعت‌جو هستند- از رهگذر نظام انتخاباتی به کرسی پارلمان تبدیل می‌شود، ناگزیر نمایندگان به تأمین آن دسته از منافع گروهی از شهروندان اقدام می‌کنند که می‌توانند در چارچوب نظام انتخاباتی معمول، آنها را به کسب دوباره کرسی نمایندگی امیدوار کنند. نظام انتخاباتی اکثریتی دودوری در حوزه‌های محلی دلالت بر آن دارد که اولاً فقط شهروندان حوزه انتخابیه می‌توانند در گزینش نمایندگان مؤثر باشند؛ ثانیاً رقابت انتخاباتی، رقابتی میان افراد با حاصل جمع صفر است؛ از این رو تلاش برای ارائه وعده‌های بزرگ و ملموس (از محل منابع رانتی ملی) برای جلب نظر انتخاب‌کنندگان محلی جزء جدایی‌ناپذیر این نوع نظام انتخاباتی است. در چنین شرایطی، برای نمایندگان بالفعل که تمایل به حضور دوباره در میدان رقابت را دارند، دوره نمایندگی، عرصه واقعی تأمین منافع انتخاب‌کنندگان و تحقق وعده‌هایی است که پیش‌تر داده‌اند. با توجه به اینکه قوه مقننه در ایران تک‌مجلسی است و تمام کرسی‌های پارلمان با نظام انتخاباتی اکثریتی دودوری در حوزه‌های محلی انتخاب می‌شوند، مجلس به عرصه تبادل آرای نمایندگان برای تصویب سیاست‌هایی تبدیل می‌شود که منافع محدود محلی یا اقشار خاص را تأمین می‌کند. اتکای دولت به منابع رانتی نیز موجب می‌شود که بدون هرگونه محدودیت ناشی از پاسخ‌گویی، منابع ملی صرف تأمین رضایت زود هنگام انتخاب‌کنندگان شود. سیاست‌گذاری در افق کوتاه‌مدت نیز از آنجاکه منابع محدود ملی را با نگاهی محدود و کوتاه‌مدت تخصیص می‌دهد، مانع توسعه اقتصاد ملی به‌عنوان پدیده‌ای درازمدت می‌شود.

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش تبیین موانع پارلمانی توسعه اقتصاد ملی در ایران است. پژوهش با بیان مسئله و اثبات جنبه پرابلماتیک آن آغاز شد و سپس برای تبیین مسئله، نظریه‌های موجود مورد بررسی انتقادی قرار گرفت. دستگاه نظری پژوهش از طریق

استدلال عقلانی و تلفیق نظریه انتخاب عمومی در پرتو رئالیسم انتقادی، نظریه لغت‌ویچ، نظریه دولت رانتیر و نظریه کاتوزیان ساخته شد. گام دوم حل مسئله، تبیین تجربی بود. پس از ارائه تعریف عملیاتی، داده‌های تجربی برای معرفت‌های هریک از مفاهیم تحقیق گردآوری شدند. سپس از طریق روش‌های تحلیل روایتی، تحلیل محتوا و جدول حضور و غیاب/ستوارت میل، فرضیه‌های پژوهش مورد داوری تجربی قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که راهبردهای پیشنهادی بستر ساختارمند برای عمل کنشگران، تلاش برای تأمین رضایت زود هنگام شهروندان بوده است. به عبارت دیگر سیاست‌گذاری توسط سیاستمدارانی که تداوم بقایشان در منصب توسط شهروندان حوزه انتخابیه محلی تعیین می‌شود، در شرایط وابستگی دولت به درآمد رانتی نفت، موجب تمرکز سیاست‌گذاران منتخب بر تأمین رضایت زود هنگام انتخاب‌کنندگان شده است. این امر نیز به نوبه خود موجب تخصیص منابع بدون توجه به شاخص کارایی و صرفاً بر مبنای کسب رضایت زود هنگام شهروندان است که اثری بازدارنده بر توسعه اقتصاد ملی داشته است. یافته‌های پژوهشی حاکی از آن است که ترکیب آثار دولت رانتیر (به‌ویژه اثر مالیات‌گیری) و نظام انتخاباتی اکثریتی دودوری، ایجاد شرایط پوپولیسم ساختاری به‌عنوان بستر ساختارمند کنش کنشگران سیاسی است. **دلالت نظری:** در تئوری‌های کارگزارمحور، توسعه محصول عمل‌عاملان است. براساس یافته‌های این پژوهش، کنش نمایندگان منتخب مبنی بر تأمین رضایت زود هنگام شهروندان با دلالت‌های نظام انتخاباتی اکثریتی دودوری در حوزه‌های محلی هم‌راستا است. به این ترتیب یافته‌های تجربی این پژوهش از نظریه انتخاب عمومی حمایت می‌کند. به دیگر سخن، یافته‌های تجربی این پژوهش، عمل کنشگران را برای تأمین منفعت تأیید می‌کند؛ از سوی دیگر هم‌تغییری میان سیاست‌های مدنظر نمایندگان مجلس شورای اسلامی با شاخص توسعه اقتصاد ملی حاکی از تأیید تئوری لغت‌ویچ است.

یافته‌های تجربی پژوهش از نظریه دولت رانتیر حمایت می‌کند. از سوی دیگر براساس یافته‌های پژوهش پیگیری منافع کوتاه‌مدت در دوره پژوهش با ضعف توسعه اقتصاد ملی رابطه مستقیم دارد. پس نتایج این پژوهش نظریه کاتوزیان را نیز تأیید می‌کند.

در مورد پیامد یافته‌های تجربی بر تئوری این تحقیق، می‌توان این‌گونه داوری کرد که گزاره‌های مشاهده‌ای درباره توسعه اقتصاد ملی با تبیین تئوریک سازگار است. در هر سه دوره تحقیق که نظام سیاسی، برنامه‌های توسعه را برای نیل به هدف توسعه با تأکید بر بعد اقتصادی آن در دستورکار قرار داده بود، وضعیت توسعه اقتصاد ملی ایران نتوانست حتی وضعیت دوره ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ را که کشور درگیر جنگ بود، حفظ کند. در میان دوره‌های سه‌گانه پژوهش، در دوره سوم شاخص توسعه اقتصاد ملی اندکی بهبود یافت؛ در همین دوره به‌رغم ثبات نسبی متغیرهای دولت رانتیر و کنش راهبردی معطوف به تأمین رضایت انتخاب‌کنندگان، سیاست‌گذاری مجلس کمتر جهت‌گیری حمایتی داشت. این به معنای آن است که بستر ساختارمند عمل کنشگران ابعاد دیگری غیر از دو بعد دولت رانتیر و افق کوتاه‌مدت پیگیری منافع انتخاب‌کنندگان را دربردارد. این ابعاد را باید در پژوهش‌های بعدی بررسی کرد.

دلالت‌های عملی: براساس یافته‌های پژوهش دو شرط علی وابستگی دولت به درآمدهای رانتی و نظام انتخاباتی اکثریتی دودوری در حوزه‌های انتخابیه نقش تعیین‌کننده‌ای در ضعف توسعه اقتصاد ملی ایران دارند. هر دو متغیر از دسته عوامل ساختاری مانع توسعه به‌شمار می‌آیند. تغییر مثبت در این عوامل، زمینه‌های ساختاری توسعه اقتصاد ملی را فراهم می‌کند. در مقام مقایسه، ایجاد تغییر در وابستگی دولت به درآمدهای نفتی بسیار دشوارتر از تغییر در نظام انتخاباتی است. تجربه حساب ذخیره ارزی که در برنامه سوم توسعه به تصویب رسید و عملکردهای غیرقابل قبول آن تأکیدی بر دشواری ایجاد تغییر در شرط دولت رانتیر است؛ از این رو راه‌حل مسئله، ایجاد تغییر در نظام انتخاباتی به نحوی است که غیر از منافع زود هنگام انتخاب‌کنندگان، منافع درازمدت جامعه و مردم نیز نقش جدی در سیاست‌گذاری پارلمان داشته باشد. با توجه به صراحت قانون اساسی مبنی بر انتخاب مستقیم نمایندگان توسط مردم، امکان‌پذیرترین نظام‌های انتخاباتی تناسبی که (مبتنی بر انتخاب حزبی هستند) وجود ندارد. در شرایط کنونی و با توجه به دلالت‌های قانون اساسی مبنی بر پارلمان تک‌مجلسی و انتخاب مستقیم نمایندگان توسط مردم، این امکان وجود دارد که با گسترش سطح حوزه‌های انتخابیه رابطه مستقیم نماینده و انتخاب‌کنندگان محدود شود. برای تحقق این منظور دو

شیوه قابل پیشنهاد است.

بر مبنای شیوه اول، تعداد نیمی از کرسی‌های نمایندگی مجلس شورای اسلامی با نظام انتخاباتی اکثریتی دودوری در حوزه‌های انتخابیه محلی انتخاب می‌شوند؛ نیمی دیگر نیز در حوزه انتخابیه کل کشور با نظام انتخاباتی اکثریتی انتخاب می‌شوند. با این شرط که در این سطح، فقط نامزدهای حزبی حق حضور در میدان رقابت را دارا هستند. حضور نامزدهای حزبی موجب می‌شود که سطح بازیگران سیاسی از افراد به احزاب ارتقا یابد. از آنجاکه احزاب، ماهیتی درازمدت‌تر از افراد دارند و نیز ملزم به پاسخ‌گویی نسبت به عملکرد خود در دوره‌های بعدی انتخابات در سطح ملی هستند، ناگزیر انگیزه بیشتری برای پیگیری مصالح ملی در مقام نمایندگی دارند. این پیشنهاد شرایطی را فراهم می‌کند که هم علایق و شناخت شخصی شهروندان و منافع کوتاه‌مدت امکان حضور در قوه مقننه را پیدا کند و هم امکان نمایندگی مصالح ملی و منافع درازمدت جامعه در پارلمان فراهم شود. این پیشنهاد می‌تواند در درازمدت زمینه تقویت احزاب را نیز فراهم کند.

بر مبنای شیوه پیشنهادی دوم قابل عمل در چارچوب امکانات قانون اساسی، حوزه‌های انتخابیه از مقیاس شهری به مقیاس استانی توسعه می‌یابند. این پیشنهاد می‌تواند موجب شود با کم‌رنگ شدن رابطه مستقیم نمایندگان با انتخاب‌کنندگان، اولاً افق پیگیری منافع از شهر به استان توسعه یابد و ثانیاً زمینه توجه بیشتر بر مصالح و منافع ملی در پارلمان فراهم شود.

پیشنادهای بالا با فرض عدم تغییر در قانون اساسی ارائه شد. پیشنهاد اصولی‌تر، اصلاح قانون اساسی و پذیرش نظام دومجلسی است. در این نظام، انتخابات مجلس اول از طریق نظام اکثریتی و انتخابات مجلس دوم با شیوه تناسبی لیستی برگزار می‌شود. همچنین با فرض اصلاح قانون اساسی می‌توان با انتخاب نظام انتخاباتی ترکیبی (MMP) در قالب یک مجلس، نیمی از نمایندگان را براساس نظام اکثریتی و نیم دیگر از طریق نظام تناسبی انتخاب کرد.

هریک از پیشنهادهای یادشده می‌تواند به‌رغم بقای شرط دولت رانتیر، کنش راهبردی نمایندگان را به مصالح ملی نیز معطوف کند و در نتیجه با تدوین سیاست‌های درازمدت، بر توسعه اقتصاد ملی اثر مثبت بگذارد.*

پی‌نوشت‌ها

۱. اقتصادهای پیش‌رو براساس دسته‌بندی صندوق بین‌المللی پول عبارتند از سی‌وسه کشور شامل: استرالیا، اتریش، بلژیک، کانادا، قبرس، جمهوری چک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، هنگ‌کنگ، ایسلند، رژیم صهیونیستی، ایتالیا، ژاپن، کره جنوبی، لوکزامبورگ، مالت، هلند، نیوزلند، نروژ، پرتغال، سنگاپور، جمهوری اسلواکی، اسلونی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، تایوان، بریتانیا و ایالات متحده امریکا.

۲. ارائه داده‌های مربوط به این سه کشور برای تقویت استدلال ناظر به اثبات مسئله پژوهش است.

www.imf.org/external/pubs/ft/weo/2010/02

۳. با توجه به تعریف ارائه‌شده در این پژوهش، توسعه مفهومی یکپارچه و دارای ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. این کلیت مفهومی غیرقابل انفکاک به مفاهیم مستقلی مانند توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی است و کاربست چنین مفاهیمی در بردارنده نوعی سهو است. دستگاه تئوریک نیز با لحاظ این تعریف ساخته شده است؛ از این رو در مورد متبیین توسعه در کلیت مفهومی آن، شرایط اطلاق دارد. از آنجاکه مسئله این پژوهش بعد اقتصادی توسعه با عنوان توسعه اقتصاد ملی- است، در تئوری این عنوان تصریح شده است.

۴. سیاست (Policy)، عبارت است از تصمیمات رسمی و برون‌دادهای حکومت. مفهوم سیاست پیوندی است میان مقاصد، اقدامات و نتایج حکومت. در سطح مقاصد، سیاست در طرز برخورد یا موضع حکومت منعکس می‌شود؛ در سطح اقدامات در رفتار حکومت نمایان می‌شود و در سطح نتایج، سیاست در پیامدهای اقدام حکومت بر جامعه دیده می‌شود (هیوود، ۱۳۸۸، ۵۹۶-۵۷۰).

۵. براساس این نظریه، سیاست‌های عمومی کشورها با توجه به برون‌دادهای آنها در چهار دسته طبقه‌بندی می‌شود؛ نخست عملکرد استخراجی که به معنای استخراج منابع -اعم از پول، کالا، اشخاص و خدمات- از محیط داخلی و بین‌المللی است. دوم، عملکرد توزیعی که به معنای تقسیم انواع مختلف پول، کالا، خدمات، افتخارات و فرصت‌ها توسط سازمان‌های دولتی در میان افراد و گروه‌های جامعه است. سومین گروه سیاست‌های عمومی، سیاست‌های ناظر بر عملکرد تنظیمی است. عملکرد تنظیمی به معنای اعمال کنترل نظام سیاسی بر رفتار افراد و گروه‌های جامعه از رهگذر اجبار یا اقتناع است. عملکرد

نمادین نیز دربرگیرنده مواردی چون ارائه الگوهای الهام‌بخش مثل سخنرانی‌های سیاسی، تعطیلات، مراسم، بناهای یادبود و... برای ترغیب شهروندان به درپیش گرفتن اشکال مطلوب رفتار و جامعه‌پذیری جوانان است (آلموند و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۷۸-۲۲۵). در این تحقیق با توجه به ماهیت معطوف به نظم سیاست خارجی و تلاش دولت‌ها برای شکل‌دهی به قواعد سامان‌بخش روابط بین‌الملل با توجه به منافع ملی خود، عملکردهای سیاست خارجی نیز ذیل عملکرد تنظیمی دسته‌بندی شده‌اند. همچنین مقوله‌هایی که به‌طور مستقیم در حوزه مسئولیت‌های دولت قرار نداشتند، ذیل مفهوم عملکرد جامعه طبقه‌بندی شدند.

۶. این شاخص، با نام تولید ناخالص داخلی واقعی (حقیقی) (Real GDP) نیز شناخته می‌شود.

۷. برای فهم قدرت واقعی اقتصادی ایران، ناگزیر از تحلیل توان اقتصادی این کشور با توجه به روند عمومی جهان و مقایسه با گروه‌های مختلف کشورهایی هستیم که از نظر توان اقتصادی در جایگاه‌هایی مشابه یا حتی متفاوت از ایران قرار دارند. چنین مقایسه‌ای البته به‌معنای گام نهادن در مسیر مطالعه تطبیقی مورد ایران با دیگر موردها نیست. نشان می‌دهد که تغییرات حاصل در قدرت اقتصادی ایران تا چه میزان با روند تحولات در قدرت اقتصادی کشورهای جهان هم‌راستا بوده است. این مقایسه نشان می‌دهد که تغییر ایجادشده در قدرت اقتصادی ایران، جایگاه این کشور را در رتبه‌بندی جهانی چگونه تغییر داده است. آیا این تغییرات در مسیر پرکردن شکاف ایران و توسعه‌یافتگی است یا اینکه در مسیری خلاف جهت توسعه حرکت کرده است؟

۸. گروه کشورهای دارای درآمد بالا شامل کشورهایی است که درآمد سرانه آنها بیش از ۱۲۴۷۶ دلار است (WB).

۹. گروه کشورهای دارای درآمد متوسط روبه‌بالا شامل کشورهایی است که درآمد سرانه آنها بین ۴۰۳۶ تا ۱۲۴۷۵ دلار است (WB).

۱۰. این گروه شامل کشورهای دارای درآمد متوسط روبه‌بالا و گروه کشورهای دارای درآمد متوسط روبه‌پایین (دارای درآمد بین ۱۰۲۶ تا ۴۰۳۵) است (WB).

۱۱. شامل کشورهای ترکیه، عربستان، پاکستان، مصر و رژیم صهیونیستی (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸: ۷).

۱۲. در مورد تطبیقی بودن مطالعات تاریخی، دو معیار ارائه شده است. برخی نوع داده‌ها و گروهی هدف پژوهش را ملاک تمایز این روش از سایر روش‌های تاریخی می‌دانند. بر مبنای نخست، روش تطبیقی، در موردی که داده‌های قابل‌مقایسه دست‌کم در دو جامعه باشند، شرایط اطلاق دارد. بر مبنای دوم، تحلیل تطبیقی در زمانی که هدف، مشخص کردن تمایزات و اشتراکات میان واحدهای اجتماعی کلان است، شرایط اطلاق دارد (ساعی، همان: ۱۹۹؛ ریگین، ۱۳۸۸: ۵۰-۳۱).

۱۳. به واحد تحلیل (Unit of Analysis) در روش تحلیل محتوا، واحد ثبت (Recording Unit) هم گفته می‌شود.

۱۴. واحد مشاهده در تحلیل محتوا با عناوین واحد متن و واحد زمینه‌ای (Context Unit)

نیز شناخته می‌شود.

۱۵. به دلیل ناممکن بودن دسترسی به متن پیشنهادی سازمان برنامه و بودجه برای لویج برنامه اول و سوم و نیز محرمانه بودن مذاکرات هیئت وزیران، در این تحقیق امکان بررسی کنش راهبردی رؤسای جمهور و اعضای هیئت وزیران فراهم نشد.

۱۶. نمایندگان مجلس در ماده واحده برنامه، سقف اعتبارات عمرانی و جاری برنامه را با ۰/۱۴ درصد کاهش به رقم ۲۳۸۱۸۶ میلیارد ریال رساندند.

۱۷. در این بند، نمایندگان ویژگی‌های طراحی قبوض آب، برق، گاز و تلفن را ذکر کردند.

۱۸. البته با توجه به اینکه کاهش سقف منابع و مصارف برنامه اندک و در حد ۰/۱۴ درصد بود، نمی‌توان آن را به‌عنوان تغییری جدی برای کاهش منابع برنامه قلمداد کرد.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۴)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- ارباب، حمیدرضا (۱۳۸۸)، *راهنمای شاخص‌های اقتصادی به همراه داده‌های ایران*، تهران: مؤسسه علمی-فرهنگی نص.
- بهنام، جمشید (۱۳۷۵)، *ایرانیان و اندیشه تجدد*، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
- خلعتبری، فیروزه (۱۳۸۲)، *بودجه‌ریزی در ایران (مسائل و چالش‌ها): منابع و مصارف*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- دین‌پرست، فائز؛ ساعی، علی (بهار ۱۳۹۱)، «بازسازی روش‌شناختی نظریه انتخاب عمومی»، *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره چهارم، شماره ۲، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و علوم اجتماعی.
- رینگر، مونیکا (۱۳۸۱)، *آموزش، دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.
- سازمان برنامه‌وبودجه (۱۳۶۸)، *لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲)* [تهران].
- _____ (۱۳۷۳)، *لایحه برنامه دوم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۳-۱۳۷۷)* [تهران].
- _____ (۱۳۷۸)، *لایحه برنامه سوم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۸-۱۳۸۳)* [تهران].
- ساعی، علی (۱۳۸۶)، *روش تحقیق در علوم اجتماعی (با رهیافت انتقادی)*، تهران: سمت.
- فرمانفرمایان، خداداد (۱۳۸۱)، *توسعه در ایران ۱۳۵۷-۱۳۲۰ (خاطرات خداداد فرمانفرمایان، عبدالمجید مجیدی و منوچهر گودرزی)*، تهران: گام نو.
- فوران، جان (۱۳۸۳)، *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۱۷۹ شمسی تا انقلاب*، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات فرهنگی رسا.
- کاپوراسو (۱۳۸۷)، *نظریه‌های اقتصاد سیاسی*، ترجمه محمود عبدالله‌زاده، تهران: نشر ثالث.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۶)، *اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان پهلوی*، ترجمه محمدرضا عزیزی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- _____ (۱۳۸۴)، *تضاد دولت و ملت؛ نظریه تاریخ و سیاست در ایران*، ترجمه

علی رضا طیب، تهران: نشر نی.

کدی، نیکی (۱۳۸۶)، *ریشه‌های انقلاب ایران*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: نشر علم.

کردیچه، محمد (۱۳۸۵)، *نظام بودجه‌ریزی: مبانی نظری، سیر تحولات بین‌المللی، بررسی تطبیقی، تحولات نظام بودجه‌ریزی در ایران*، تهران: مرکز مدارک علمی، موزه و انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.

کوهن، کارل (۱۳۷۳)، *دموکراسی*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: خوارزمی.

گانینگ، جیمز پاتریک (۱۳۸۵)، *درک دموکراسی: رویکردی بر انتخاب عمومی (تحلیل اقتصادی نهادهای سیاسی)*، ترجمه محسن رنانی، محمد خضری، تهران: مرکز مدارک علمی، موزه و انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.

لفت ویچ، آدریان (۱۳۸۵)، *دولت‌های توسعه‌گرا «پیرامون اهمیت سیاست در توسعه»*، ترجمه جواد افشارکهن، مشهد: مرندیز، نی‌نگار.

نجفی، محمدعلی (۱۳۹۱)، «تاریخ چپ تحول‌یافته»، *مهرنامه*، ۲۲. خرداد ۹۱.

نوربخش، محسن (۱۳۸۵)، *مصاحبه بهمن احمدی امویی، اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: گام نو.

نیلی، مسعود (۱۳۹۰)، «مصدق نفت را دولتی کرد، پیشنهاد من عمومی سازی است»، *مهرنامه*، ۱۰ فروردین ۹۰.

_____ (۱۳۸۴)، «مالک برنامه کیست؟ سیاست‌نامه دولت مدرن»، *ویژه‌نامه روزنامه شرق*، ۸۴/۹/۵.

هیوود، اندرو (۱۳۸۹)، *سیاست*، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر نی.

- Baldwin, G. B. (1967), *Planning and Development in Iran*, Johns Hopkins Press.
- Beblawi, H. (1987), "the Rentier State in the Arab World", *In*: H. Beblawi and G. Luciani, (eds). *The Rentier State*, London: Croom Helm.
- Farzanegan, M. and Schneider, F. (2009), "Factionalism Oil and Economic Growth in Iran", *Where is the Curse?*, Available from: http://www.academia.edu/1342438/Factionalism_oil_and_economic_growth_in_Iran_where_is_the_curse.
- Jones, R.G.B (2001), *Routledge Encyclopaedia of International Political Economy*.
- Mclean, I and McMillan, A. (2009), *the Concise Oxford Dictionary of Politics*, New York: Oxford University Press.
- Mahdavy, H. (1970), "The Patterns and Problems of Economic Development in a Rentier State: The Case of Iran", In: M.A. Cook eds, *Studies in Economic History of the Middle East*. London: Oxford University Press.
- Mueller, Dennis C. (2003), *Public Choice III*, Cambridge: University of Cambridge.

Ross, M. (2004), "Does Taxation Lead to Representation?", *British Journal of Political Science*, No. 34, PP229-249, Available from: <http://www.sscnet.ucla.edu/polisci/faculty/ross/taxrep.pdf>.

Tullock, Gordon (eds.), (2002), *Government Failure: a Primer in Public Choice*, Washington, D.C: Cato Institute.

Wantchekon, L. (2002), *Why do Resource Abundant Countries Have Authoritarian Governments?*, Available from: <http://www.afea-jad.com/2002/Wantchekon3.pdf>.